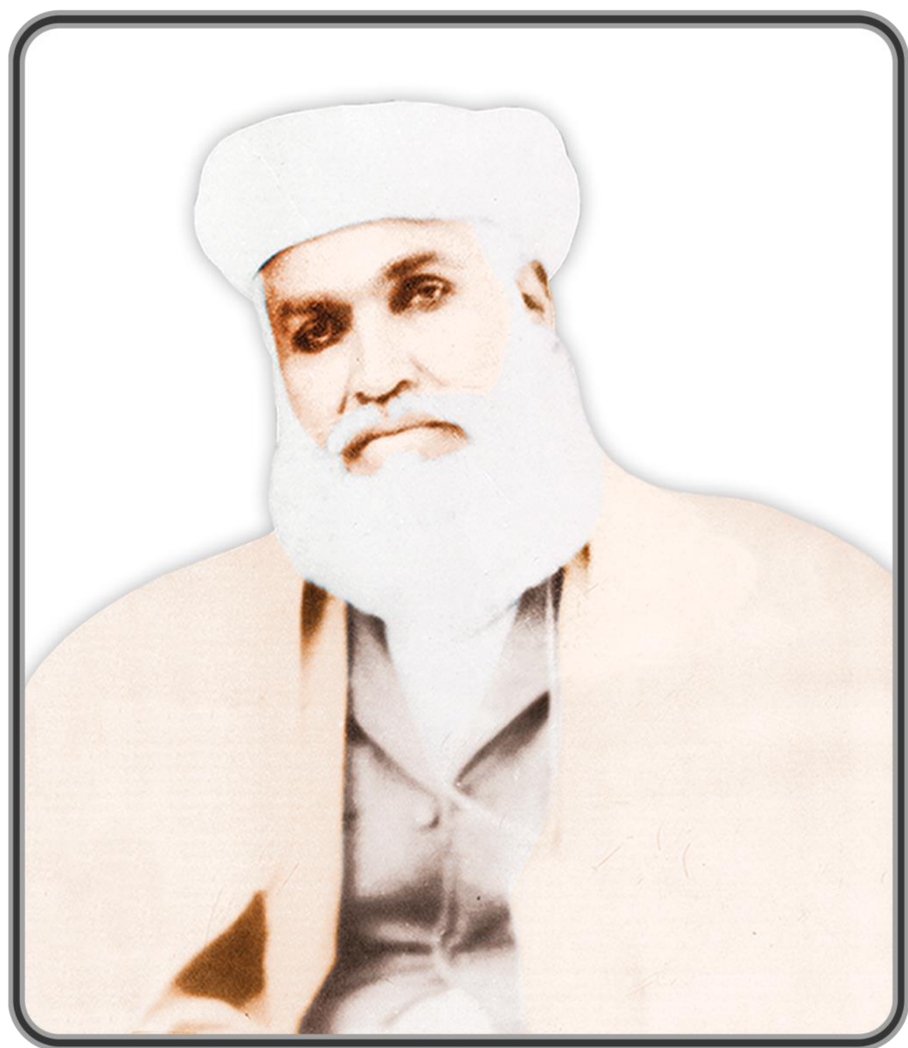
بسم الله الرحمن الرحیم



انسان و اسرار قرب

یا

جام و میگر سوم



کانون فرهنگی علامه فیضانی

عنوان: انسان و اسرار قرب یا جام و میگر سوم

الداعی الی اللّه مولانا محمد عطاءاللّه صاحب فیضانی

محل نگارش: محبس عمومی دهمزنگ کابل

نمبر معیاری بین المللی کتاب: ISBN 978-9936-1-0034-3

چاپ ها : اول، ۱۳٦٤ هـ ش- **دوم**، ۱۳۷٦ هـ ش - **سوم**، حمل ۱۳۹٦ هـ ش.

چاپ چهارم: بهار ۱٤۰۲

ناشر: کانون فرهنگی علامه فیضانی

صفحه آرا: عبدالمبین عابد

تیراژ : ۵۰۰ جلد

سفارش برای نقل قول: فیضانی، محمد عطاء الله (۱٤۰۲)، شش جام به تقویهٔ ایمان، کابل کانون فرهنگی علامه فیضانی.

فهرســـــت مندرجـــات

شش جام به تقویۀ ایمان

عنوان **صفحه**

انسان و اسرار قرب
یا جام و میگر سوم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىْ هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَآ أَنْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ

ترجمه: ثنا و صفت مر خدای را که هدایت کرد ما را به این [راه] و اگر حضرت او جلت عظمته رهنمونی نمی‌فرمود، ما نبودیم که راه یابیم.

به عبارهٔ دیگر: اگر او جل‌جلاله ما را به شاهراه مستقیم رهنمایی نمی‌کرد، ما راهیاب نمی‌شدیم.

مقدمه

با خواندن این رساله امیدواریم تا مؤمنین صاحب درایت در طی سوالاتی که مطرح شده، حقایقی را دریابند که شاید به تلاوت چندین بار تفاسیر و احادیث به آنها میسر نشود. ازینرو قبل از ارائه مطالب هر عنوان به داخل چند سطر محدود توجه قاریان را به یاری خدا جل‌جلاله به عناوین جداگانه معطوف می‌داریم، که یکی بعد دیگر استعداد باطنی شما را به دریافت اسرار عالی و گهربار این گنجینهٔ معرفت که به غرض تقویهٔ نور ایمان و رسیدن به کشف اسرار بُعد چهارم (مخفی از انظار مایان) تنظیم یافته، قوی و قویتر گرداند. و من الله التوفیق

اینک **اول** نظر شما را به طور اجمال به پاره یی از اظهار مطالبی می‌اندازیم که به خوبی تمام از آن جلال و عظمت او تعالی روشن است. به مرتبهٔ **دوم:** چرا انسان به دریافت این دولت با آنکه فطرتاً مایل است نمی‌کوشد؟ و در جای **سوم:** طرق کوشش کدام است؟ مختصراً توضیح دهیم.

دریافت عظمت و جلال و کمال خداوند جل جلاله در اشیاء

برای روشن ساختن حقیقت این راز (درک کُنه ذات) در حالیکه ما کلمات اداگـر ایـن مطلب را نداریم، چطور ممکن شده می‌تواند که باری با این همه کوتاهی فهم، بر کمـال و جلال عظیم بی زوال پی بریم؟ زیرا مسلم است وقتی پایهٔ قدرت یـک نیـرو را مـی‌تـوان دریافت که لااقل به پیمانهٔ او در خود استعداد دیده و یا شبه آن‌را سراغ کنیم؛ حال آنکه، اندازهٔ عقل و دانش که ویتعالی از اول دنیا تا عصر ما عنایت نموده، اگر دقت کنـیم جـز حیرانی[1] و مبهوتی چیزی حاصل نیاید.

به طور مثال **برای تسهیل فهم، فقط بسیار ساده غور نمایید که ذات عظیم کبریا جل‌جلاله از اول دنیا تا آخر فنای آن، به هر انسان به چـه مقـدار عقل منکشـف و فهم و درایت داده، هرگاه این همه را سرهم کرده جمع سازند، به میلیاردها تـن وزن فی المثل بالغ می‌شود.**

مثلاً نفوس فعلی جهان چهار میلیارد است،[2] اگر فرض کنید بـه هـر نفـر طـور متوسـط یک پاو عقل و دانش خداوند جل‌جلاله داده باشد، (۱۶=٤ × ٤ میلیارد خـورد)[3]، ایـن را تقسیم سیر نمایید و به تن تعـدیل بخشـید، بـه روی ایـن حسـاب بـه نتیجهٔ سرسـام آوری می‌رسید و در پایان به یک جهان تحیر و مبهوتی مستغرق می‌شوید. به اساس این سنجش اگر غور کنید که به هر قرن یا عمرهای مختلف هر دورهٔ انسان‌ها، از اول دنیا تا اکنون چه مقدار علم و دانش داده شده، مایهٔ تعجب و گرنگی هوش گردیده، بـه روشــنی تمـام در می‌یابید که سبحان الله! عظمت و کمال علم و دانش او جل‌جلاله عم نواله از ساحهٔ فهـم

---

۱. از پی ادراک تو هرجا که هست — حیرت اندر حیرت اندر حیرت است
(مولوی)

۲. این رقم مربوط احصائیه سال۱۳٥٤ هجری شمسی مطابق سال ۱۹۷٤ میلادی می‌باشد.

۳. یک خورد مساوی ۱۱۳ گرام میشود.

و درک ما به کلی بیرون است، خصوصاً که بر آن، اندازهٔ فهم و دانش مخلوقات کرات سه گانهٔ (افلاک ملک، جن و شیاطین) طرف دنیای ما را ضم کنید و با پنج جهت دیگر که مساوی هژده هزار عالم می‌شود، به کجاها می‌رسد و اگر بر این درایت، اندازهٔ شعور جاندارانس را بیفزایند، چه حاصل از آن جز محو در محو می‌توان گرفت و این بدان ماند که مور کوچکی به درک خود به احصائیه گیری و نظام سازی رئیس جمهور کدام مملکت پردازد! آیا از عهدهٔ آن برآمده می‌تواند؟ نه هرگز.

پس این چنین به احصائیه و درک کمال و قدرت و حتی از اندازه گذاری به برنامه‌های حضرت ویتعالی ابداً انسان عاجز بوده باشد، لذا حضرت خضر علیه السلام هنگام نمودن کمی ساحهٔ دانش بشر برای حضرت موسی علیه السلام، چون در کشتی نشستند، گنجشکی به عرشهٔ کشتی قرار گرفت و منقار خود را به بحر فرو برد و بالا کرد، جناب خضر(ع) از موسی علیه السلام پرسید: آیا این گنجشک با فرو بردن منقار از بحر چه مقدار آب را گرفته باشد؟ گفت: به تناسب بزرگی بحر به حکم هیچ، خضر علیه‌السلام گفت: این چنین تصور کنید، مجموع درک و دانش اولاد بشر از اول تا آخر جهان، به حکم قطره یی از دانش و علم خداوند متعال محسوب نشود.

بنابرین موقف ناچیز، برخی‌ها در بین انسان‌های کم‌رشد اجازهٔ خود نمایی را به اغوای شیاطین به خویش می‌دهند، حالانکه در برابر موجودات کرات دیگر و یا انسان‌های رسیده تر صفر جمع صفر باشند. چنانچه عده یی بروی انانیت و تصرف امور علمی محدود در اشیاء و اسباب آلات که اصل آن زادهٔ دست قدرت و عظمت خاص عظیم با شوکت اوست، دانسته و نادانسته به خویش اجازت می‌دهند تا بدون کارت راهداری آرزو کنند که به این دولت سرا (قرب حضور) رسند، این خیال است و محال است و جنون.

جستجوی انسان و ماهیت اصلی آن

۱ - سوال: آدمیزاد را به مفهوم معنی چرا انسان نامیده اند؟

جواب: انسان اسم مبالغه است و مشتق از اُنس بوده که معنی بسیار زود خوی گیرنده یا عادت یابنده به هرچیز باشد، حتی به خانـه و جـای و حیوانـات وغیـره اشـیائی کـه بـه ماحول خود می‌بیند، پس از مدتی چنان به آن‌ها محبت یابد که از فراقش به اندازهٔ ارتباط باطنی خویش رنج کشد و خوشگواری‌ها بر او تلخ گردد، ولی از جدایی حضور حضرت کبریا جل‌جلاله نا راحت نبوده و حتی احساس هم نمی‌کند.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسـان موجـود دو پـای کـه همـهٔ ایـن کاینـات بـرای او و او بـرای معرفـت و شناسایی خدا جل‌جلاله بوده تا به درک کامل طرز مبارزه را با اعـدای معنـوی و ظـاهری خـدا (ج) و اهل وی، از خود گرفته تا جای نهـایی فـرا گیـرد و تـا دم آخـر بـرای آرامـی خلق‌الله به غرض خوشنودی اوتعالی جل‌جلاله، به تعمیم عدالت در پرتـو شـیوع وحـدت بکوشد. سعدی رحمة لله علیه فرموده:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند   تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگـشته و فـرمان بـردار   شـرط انصاف نبـاشـد که تو فـرمان نـبری

۳ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان مخلوقی دارای درک منکشف باشد که خوب می‌داند و می بیند که از دید و وادیدهـای اشیای بی‌جان و جـاندار، رفته رفته در او محبت راجع بـه آن چیـز خلـق می‌شود، ولی از اثر این تماس یافتن به اشیاء در خود اینقدر انتباه اکثراً نمی‌گیرند که **اگـر نام خداوند جل‌جلاله را نیز همـواره بگویـد محبـت حضـرت او در وی به سـاده ترین صورت ایجاد می‌شود**، اینجاست که وی از بندگان صالح می گردد.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که اکثراً دوست دارد تا با خدای خود علاقهٔ خاص داشته باشد و این دولت را به زعم خود از طُرق بسیار مشکل به انواع تکالیف می‌خواهد به دست آورد، حال آنکه به عصر حاضر فقط از یاد خداوند جل‌جلاله در هرجا و مشاهدهٔ اشیاء و از آن کمال و جمال صانع او تعالی را یافتن، راه کوتاه تر و مؤثرترش باشد.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به غرض مشاهدهٔ انواع اسرار اشیاء و طرز استفاده از آن‌ها خلق گشته، تا هرچه خوبتر و بهتر خالق این همه بحر و بر مرئی و نامرئی را با کمال و جلالی که دارد بشناسد و هنوز هم از او به عجز و زاری بخواهد و مساعی لازم در طلب آرامی خلق الله برای رضای خدا جل‌جلاله بنماید، تا انعام و اکرام خیلی‌ها بالاتر و ارزش دارتر را دریابد.

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از خود هیچ وقت نپرسیده است و این سوال را کمتر کرده باشد که چرا این همه اشیاء را به روی چه تصرف و برای چه مقصد به او داده اند؟

بلی! برای دریافت شناسایی خالق اعظم و صانع اتم و اکمل، این همه نظام را به او بخشیده و به دسترس اختیارش قرار داده اند.

٧ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از دیدن یک کارنامه[1] که کسی کرده است بر او هزاران بخشش و تکریم روا دارد، ولی با دیدن این همه نندارتون (دنیا) خلق شدهٔ حضرت او جل‌جلاله اعتراف بر عظمت و مساعی به دریافت حقیقت معرفت را با وی جلت عظمته نکند و کمتر به جستجوی این فضیلت توجه نموده است.

---

۱. هنر و صنعتی که کمتر کسی از عهدهٔ آن برآید.

۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که می کوشد اگر بتواند رئیس و یا زعیم اجتماع و یا دستگاه را بشناسد و به او معرفت حاصل کند، ولی با خالق و صانع این همه نظام عیان و نهان که خدای اکبر جل جلاله در بحر و بر وغیره افلاک و کرات دیگر است، تلاش ندارد که بشناسد و یا دریابد ویا لا اقل با او معرفت حاصل کند.

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که چقدر منور شود خوش دارد با منوران و حتی با سیاستمداران عمده ارتباط و معرفت تام بیابد، اما با تأسف برای ارتباط با خالق و صانع خود به این آرزو جز عدهٔ قلیل نرسیدند و حتی در خود ایجاد چنین ذوق و عشق را ننمودند.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان چنان موجودی که هنگام توفیق یافتن به کدام ابتکار عمل یا فکر در کوایف علمی یا روحی که توجه و دنبال کردن آن را به او خداوند متعال داده است و رفته رفته ازین مساعی او را منکشف راز و اسرار می‌سازد، باری از خود سوال نمی کند که این توفیق اگر زادهٔ مغز او باشد، به امثال وی مغزهای عالیتر و حتی مستعدتر از هر نگاه به میلیاردها است پس مساعی او بهانه و حقیقت آن، عطا و لطف خدای مهربان است که به این شکرانه البته توفیق اضافه‌تر به او دهند و راه ارتباطش را با ویتعالی در صورت دوام بیشتر سازند.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به مقابل مخالفت از اوامر خود بر مادونان هر که باشد خشم کند و حتی می‌زند و جزای انتباهی می‌دهد، ولی به مقابل مخالفت از اوامر و نواهی او تعالی جل جلاله که در حقیقت اکثراً مفاد و بهبود حیات اجتماعی در آن مضمر است، به بازخواستی منقاد نبوده و جزایی در برابر آن از طرف خدای عیان و نهان جل جلاله را باور نمی کند.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برای مقتدران وقت اعتراف می کند که باید به مخالفین خود جزا دهند، ولی برای خدای عظیم که او را خلق کرده است و از عدم به وجود آورده، عمر و روزی مقرره اش را با غیره نعما همه ساله در هر جا که باشد می‌رساند، ولی باز هم به او جل‌جلاله از کوتاهی فهم قانونی را قبولدار نبوده و جزایی هم در برابر مخالفت با وی جل‌جلاله تصور نکرده تمرد می‌نماید.

۱۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجود ضعیفی که با همه دبدبه و طنطنهٔ ثروت و سرمایه، کوچکترین میکروب او را از پا در می‌آورد.

١٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که همه از وی ترسند، ولی خود او از خودش نمی‌ترسد، با آنکه هرچه ضرر می‌رسد از انسان‌ها بر انسان و انسانیت و امثال اوست.

۱۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که هر مخلوق به او اعتماد دارد، ولی خود شان به همدیگر خود بدون از نظر داشت‌ها اعتماد کمتر کنند.

١٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان انموذجی است که اکثر خواص و رازهای اشیای جاندار و بی جان فلک و زمین او در وی دیده می‌شود، ازینرو او را برخی حکما «عالم صغیر»[1] گفته اند.

---

۱. پس به ظاهر عالم اصغر تویی　　پس به باطن عالم اکبر تویی
(مولوی)

تبصره

حالا که تا جایی بر ماهیت مقام شامخ انسانی وارد شدیم و دانستیم، اساساً ناشکری‌هایی داریم و کردیم و از دیدن هر شی بر صانع او آفرین گفتیم، ولی بر عظمت خدای عظیم با مشاهدۀ این همه انعام و اکرام و انواع تخلیق در جهان، هیچ احساس مسؤولیت نه نمودیم. انتها خواستیم که با زُعما و بزرگان دارای موقف و مقام ارتباط حاصل کنیم، ولی با خالق و صانع این همه کون و مکان آرزوی ارتباط را نکردیم، با آنکه خلقت ما برای دریافت این حقیقت درین سراچه آزمایش بوده و هست تا به علم مشاهداتی او تعالی ثابت شود، آیا به مصنوعات او چنان محو می گردیم که وی جل‌جلاله را فراموش می کنیم یا در اثنای گرفتاری، حضور حضرت باری جل‌جلاله را هم بر خود نگران و در امور نیک، جاذبه و کشش ویتعالی را در خویش نمایان دیده، از بدکنشتی‌ها گریزان می‌شویم، یا خیر؟ و در پایان به این نتیجه می‌رسیم آیا به خداوند جل‌جلاله ارتباط و محبت می‌ورزیم یا به غیر او، که هرچه هست و هر جا هست.

لذا در برابر سوالی که« این ارتباط چطور قایم می گردد؟» اینک نظر شما را بر پاره یی از مطالب رمز وصول انداخته، سپس به موضوع قصور و کوتاه نظری‌های انسانی که در حال وجود خدا جل‌جلاله باز هم انکار از ویتعالی می‌نمایند، اندازیم و بعد از آن به مطالعۀ اشیایی که دال بر عظمت کبریا جل‌جلاله بوده، نظر تان را معطوف می داریم.

رمــز وصـول

۱ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که از مشاهدهٔ اشیای این چرخ، به خوبی صانع و خـالق جـل جلاله را اگر اندکی تأمل کند دریابـد کـه بـیشک ایـن همـه نظـام هـزاران میلیـون سـالهٔ یکنواخت بدون تغییر دارای هرگونه کیفیت بـه غیـر از گرداننـدهٔ عظـیم بـی‌همتـای وی، دیگری را ممکن نیست که یکتا و دانـاست جلت عظمته و از اعتراف به این حقیقت، در دل نیکان بشر اسرار بسیار دیگر نیز وارد گردد و این دولت نیرو بخش باطری ایمـان شـده و کوتاه‌ترین فاصلهٔ ارتباط بنده را به خداوند جل‌جلاله میسر می‌سازد.

۲ - سوال: آیا انسان ازین هم به کوتاه‌تـرین فاصـله نمـی‌توانـد قابـل مقدمـهٔ پـذیرایی حضرت ویتعالی گردد؟

جواب: بـی‌شک، با آوردن ایمان کامل بـا تصـدیق لازم بـرای منکـرین و توبـه از سـر صدق برای غافلین، در پذیرایی اشخاص به بعد چهارم میسر شودِ اما بـه ازدیـاد عمـل و حصول تصفیه و تزکیه، لیاقت قرب حضور او جل‌جلاله را حاصل می‌تـوان کـرد. گرچـه در وهلهٔ اول عده یی از نیک سرشتان به مجرد ایمان یا توبـه، لیاقـت باریـابی را بـه دسـت آورده اند، مگر نادر باشـد؛ زیـرا ایمـان را بـا عمـل در ٦٢٥ جـای قـرآن کـریم، خداونـد جل‌جلاله لازم و ملزوم همدیگر دانسته و خوبترین اعمال را فعالیت برای اعلای کلمة الله و مساعی در معرفت حضرت ویتعالی و خدمت خلـق‌الله بـه غـرض خوشـنودی او تعـالی جل‌جلاله مقرر کرده اند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به غیر از اسـتیذان دروازه‌داران و گـرفتن کـارت معرفـت، رفتن خود را به حضور زعمای زمـان نـاممکن دانـد، عجـب کـه بـدون بـه دسـت آوردن

صفائیت و لیاقت قابل قبول حضور حضرت وی جل جلاله، با این همه تردامنی به مجرد ادعا، خود را لایق پذیرایی حضور ذات او تعالی جل‌جلاله می‌شمارد!

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برای رسیدن به چوکی حضور شاهان و رؤسای ظاهری و مجازی، دست کم شانزده تا بیست سال تحصیل و اضافه از سی سال را به خدمت گزاری با طی مراحل آن بر خود لازم می‌گرداند، ولی رسیدن به قرب خداوند جل‌جلاله را فکر می‌کند که به ساده‌ترین صورت و حتی هیچ کیفیت فی البدیهه باید دریابد و متوصل گردد.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که تقلیب دست قدرت ویتعالی را در کلیه اشیاء به هر سویه بیند، مثلاً در چیزهای بی‌جان مانند تغییر پارو(کود) به انواع اشجار و اثمار و حبوبات، گرمی به سردی و عدم به وجود و عکس آن وغیره که تعیین گردیده، دیده می‌شود. **اگر بنده به عجز و زاری و خلوص کامل هرچه بخواهد با همه نااهلی که دارد، به او خداوند جل‌جلاله داده می‌تواند و عذرش را قبول و خواسته هایش را ایفا می‌کند. خلاصه، تقلیب به روزگارش حسب الهمت و فعالیت و کمال نیت او حتماً می‌دهد. بیت:**

همت بلند دار که نزد خدا و خلق

باشد به قدر همت تو اعتبار تو

دلایل وجود خـدا جل‌جلاله به منطق

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به روشنی تمام می‌دانـد، هرچـه از مصـنوعات در مـاحول وی و جهان او دیده می‌شود زادهٔ دو دست قدرت است:

الف – دست قدرت بلاکیف خـدا جل‌جلاله و صانع کل، کـه از عـدم بـدون کـدام ماده، عنصری را که او جل‌جلاله خواسته و بخواهد خلق کرده و می‌کند.

ب – صانع مصنوعات دست دوم؛ انسـان اسـت کـه از مـواد خـام و پختـهٔ خلـق شـدهٔ ویتعالی به خود و ابنای وقت خـویش، اشـیاء و حـوایج طـرف ضـرورت را تهیـه و تنظـیم می‌بخشد.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان مخلوقی است که موجودیت هیچ مصنوع زادهٔ دست خود و یا همنوعان خود را بدون صانع قبول نکرده و ناممکن می‌داند، ولی با تأسف هسـتند برخـی کـه ایـن همه کاینات عیان و نهان را به غیر صانع فکر می‌کنند و قبول می‌نمایند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که هر نظام اجتماعی را بدون اداره و رهبری سـلیم و یـا غیـر سلیم افراد ناممکن می‌داند، ولی این همه نظام عیان و نهان را بدون اداره و رهبـر و صـانع اکبر درین بحر و بر، می‌پندارد که به غیر انجنیری و نظام بخشی بلاتشـبیه حکـیم عظـیم بی‌منتهای او جل‌جلاله بوده و بعضی‌ها قبول کرده‌اند، افسوس.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به قوانین دنیا با هر نیرویی که دارد معتقد باشد و مـی‌دانـد که تحت نظارت یک منظم کل، دوار است و این قانون بقـای کاینـات را کـه در ارض و

افلاک نزدیک خود می بیند، که به طول میلیونها سال به قول و سنجش خودش به عمر ما و گذشتگان ما تماماً یکنواخت، به دیدهٔ هر واحد فعال بوده و هستند، با این هم عـده یـی متأسفانه ازین حقیقت انکار ناپذیر، منکر گشته حتی وجـود صـانع جـل‌جلالـه را تیـوری مزخرف گویند. اما جمعی قدرت ناشکن و تصرف تامهٔ ذات واجـب الوجـود او را از آن استنباط کرده، به ایمان کامل قبول نموده، می‌دانند که بـی‌شک تحت نظارت قادر قیوم، باقی و پا برجاست. اینست ایمان و اینها اند مؤمنان کامل کـه اگـر بـه منصـهٔ عمـل آن را تطبیق دهند.

۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در برابر نیروهای دارای قدرت، حکمت یا دانـش خـود را ناگزیر به تسلیم می‌بیند، خصوصاً که در کـدام رشـته از او قـوت یـا تصـرفی بیشـتر را بـه مقابل خود احساس کند، ولی با تأسف با مشاهدهٔ ایـن همـه انـواع قـدرت و کمـال ذات کبریای واجب الوجود لایزال او جل‌جلاله، چنان که لازم است احترام ننموده و شناسایی مناسب را با ویتعالی حاصل نکرده و در پی آن جز عدهٔ محدود نگردیده اند، بلکـه زمـره یی از بدبختان به او شرکا ساخته و عده یی از جهال از وجودش به کلی انکار نموده اند.

عزیزم خوانندهٔ محترم!

بی‌شک از مطالعهٔ سوالات فوق تنویری در باطن احساس کرده باشند و این نور یقین چقدر که بالا و بالاتر درینباره می‌شود به همان اندازه هستهٔ توحید یا نورانیت ایمان را در شما کامل و کامل‌تر می‌سازد که رفته رفته باعث ارتباط شخص علی مراتب همت و فعالیت او با ویتعالی می گردد.

ناگفته نگذاریم چنانکه در زمان سابق بنده گان خاص را مدارج قرب از کشتن نفس و آن هم به ریاضت شاقه تا بدین اواخر مقرر کرده بودند و حتی متأخرین در آن غلو نموده، به شکل نهایت سرسام آور تعمیل می کردند. از آنجا که از دوران رسول علیه‌السلام تا زمان ما چهارده صد سال گذشته و نظر به سنت الله راه قُرب با خدا جل‌جلاله به طول هزار سال یا کمتر و بیشتر، باید کوتاه تر می‌شد، چنانکه عبادات شاقهٔ زمان موسی علیه السلام وغیره به زمان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم کم و کمتر گردید.

اینک برای تقویهٔ نور ایمان رسایلی را خدای عظیم به لطف و کرم خویش به میان آورد که فقط مطالعه و عمل بدان باعث ازدیاد نور باطن آناً فاناً گشته و از هر بار خواندن رو به تزاید باشد، و حجت این حالت، در شما خواننده گان و یا شنونده گان صاحب ذوق ایمان اینست که دفعتاً مطالبی نیز در باطن تان پیدا شود و آن را جمع و یادداشت کرده و به اهل این رازدانی‌ها و استادان این جمع ارائه دارند، گویا این دولت جانشین کارگذاری‌های چندین سال ریاضت مالایطاق بشریت امروز باشد. بمنه و فضله الکریم الوهاب

و اینک به پاره یی از مطالعه دید عظمت خدا جل‌جلاله در اشیاء ذیلاً دقت کرده و به همت کامل و توجه تمام غور مزید نمایید.

دید عظمت خدا جل‌جلاله در اشیاء

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به هر چیز متحرک و جماد، روح طبیعی و یا مصنوعی (الکترونی) را قایل است که یا زادهٔ دست اوست و یا به قدرت خالقش (خدا جل‌جلاله) در آن جایگزین گشته، با آنکه می‌بیند زمین و اکثر افلاک در مسیر معین متحرک و دوار اند، باز هم دست قدرت او جل شانه را به تعبیر بعید به زعم باطل و فاسد خویش به نام جاذبهٔ بی منشأ می‌خوانند، گویا از قدرت ویتعالی و تصرفش انکار می‌ورزند. **حال آنکه جاذبه به مفهوم صحیح نوعی از تصرف اوست جلت عظمته که از کوتاهی و نارسایی کلمات، آن را بازگو کنندهٔ پاره یی از کارگاه عظمت ذات او جل‌جلاله می‌دانیم.**

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که خوب می‌داند هیچ ذرهٔ مادی در فضا بدون استناد قرار گرفته نمی‌تواند، ولی این همه نظام افلاک را باز هم دیده و دانسته به نام جاذبه، بی فورمول به آن اسم نهاده است. باید تذکر داد که منظور ما از نفی جاذبه در نظام افلاک نیست، اما روح مطلب اینجاست که وجود حرکت و طرز ادارهٔ راکت یا راکت‌ها را از سیستم رهبری زمین و آن هم از جانب انسان قبول کنیم، چرا وجود و بقای اشیاء و طرز حرکت گوناگون افلاک را زادهٔ تصرف عظمت خالق بی همتای او جل‌جلاله ندانیم؟

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که جاذبه را در مقناطیس از اثر انتظام مالیکول ها و به ردیف قرار داده شدن شان می‌خواند، ولی این همه بی نظمی فی المثل مالیکول‌های عمدهٔ زمین را از قبیل کوه‌ها، بحرها، خاک، معادن و غیره که غیر جاذبی اند، آیا جاذبه را در آن‌ها به

چه منوط می‌داند؟ بلکه درک نمی‌کند که باز هم به تأویل فاسد شیطـانی، جاذبهٔ وهمـی را برای امحای حقیقت دست قدرت او جل‌جلاله نام می‌نهند.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ [1]

ترجمه: می‌خواهند که خاموش سازند نور عظمت و وحدت خدای متعال را به گفتـار و دلایل پوچ، اما خدای متعال (ج) پوره می‌سازد نور مطلوب خود را، اگر چه کفار آن را بد بینند.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی کـه جـز عـدهٔ محـدودی از نیکـان شـان کـه از مطالعهٔ اشیاء عظمت خـداجل‌جلاله را یافته و از آن ایمان کامل به خود حاصل مـی‌کننـد، اما همین وسیله برای دیگران اسباب گمراهی گردیده است.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از دیدن کدام مؤسسه یا فابریکه و یا ماشین وغیـره اسـباب و آلات و طرز فعالیت و کار آن تعجب‌ها کند. ولی از اعطای این دولت و کشف آن که به مغز انسان قدرت ساختنش را داد، هیچ نه اندیشد و بر خالق آن شکران نگوید و حتـی بعضاً نشناسند. وای، تأسف به این کم بختی و نادانی!

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که سرهم بندی کامل یـک اجتمـاع را هرگـاه بینـد، البتـه بـر کمال زعیم و رهبرش تصدیق دارد، ولی این همه نظام مرتب و منظم را که دال بـر کمـال خالق و صانع یکتای او جل‌جلاله است، برخی نفهمیده بلکه اعتراف بدان نیز نمی‌کند.

٧ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از خاک انواع عطر و خوشبویی‌هـای گونـاگون را توسـط گل‌ها بوید و احساس فرحت نماید، ولی با تأسف که دقت نکرد آیا خالق این همـه کـون

---

۱. صف/۸

و مکان که از خاک ناچیز نمناک چنین خوشبویی‌ها آفرید، پس حضرت وی جل‌جلاله دارای چه خوشبویی‌ها و نیکویی‌هاست که اصلاً دل و مغز تصور و درک آن را فعلاً کمتر کرده می‌تواند.

۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از دیدن چهره‌های خوب حظ می‌برد، با آنکه می‌داند اساساً این موجود با این همه زیبایی از یک اسپرمای کوچک خلق شده است. **آیا حسن و جمال خالق او جل‌جلاله که مثل این میلیاردها صاحب جمال را خلق و بنا کرده است، به چه پیمانه خواهد بود؟** زیرا مسلم سخن است که اگر کسی به شخصی هزار افغانی یا بیشتر و یا کمتر بخشش دهد طبعاً خود او مالک لک‌ها افغانی باشد. آیا ذاتی که این همه حسن را به همگان رایگان داده، پس خود دارای چه جمال و کمال است؟! که درک ما از اندازه گیری آن عاجز باشد.

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که می‌بیند در بین یک دانهٔ توت خوردتر از ارزن، درخت تنومند توت دارای ده الی بیست متر ارتفاع تنه و پنج الی ده متر ریشه‌ها با ضخامت آن، شاخه‌ها و محیطی که قطر بالایی آن کم از کم ده متر و هکذا ریشه‌های زیر زمینی مثل وی یا کمتر از آن با دستگاه‌های لازمش را به هم پیچیده و در همان دانهٔ کوچک توت، این کلیه اسرار را گنجانیده است، ولی فکر نمی‌کند که صانع دارای این همه حکمت البته میلیاردها بار عجیب و اضافه‌تر ازین قدرت دارد، که ما کوچکترین نمونهٔ آنها را فوقاً به یاری حضرت وی جل‌جلاله توضیح کردیم و درک این حقیقت به ما می‌رساند که این چنین مادهٔ اصل تخلیق بشر را مانند اسپرما که در بطن مادر خلق کرد، باری باز هم اسپرمای دیگر از جسمش که در زمین باقیست، به نفخهٔ دوم صورت داده و زنده کرده می‌تواند. **مصرع:** نقاش را نقش ثانی خوشتر آید ز اول.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در مجموع کمالات مستقیم و غیر مستقیم ذات اقدس او جل‌جلاله به ایجاد و تخلیق اشیاء، چه رنگ‌ها را دید، اما ندانست که آیا ذات واحد الاحد او جل‌جلاله دارای این همه عظمت و کمال، چه ذات و چه قوت و چه قدرت کامل، مالک هرگونه کمال و جلال است، که حتی کلمات درخور ادای این مطلب را نداریم تا مطالب حاوی این حقایق را به آن جمله بندی کنیم.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برای دریافت اثر حرارت هر شی از فاصلهٔ دور، اندازهٔ شدت حرارت را لازمی می‌داند، ولی با این همه فاصلهٔ آفتاب از زمین که باز هم حرارتش زایل نمی‌شود، نمی‌داند که این قدرت زادهٔ حکمت کبریایی اوست جل‌جلاله و قسماً طفلانه می‌گوید: آفتاب کرهٔ آتشی است که تا هنوز سرد نشده و یا در آن هیلیوم[۱] می‌سوزد و حقیقت این راز را به رسایل و دروس بعدی به یاری و مددگاری حضرت باری(ج) مطالعه می‌نمایند.

1.Helium

امتیازات مقام علمی و رموز کامیابی انسان

مقدمه

آیا دقت کرده باشند که موقف اصلی انسان چقدرها عالی است! اما عده یی از ظاهر بینان به مجرد دانشی که در شرح و بسط قسمتی از بیولوژی وغیره علوم یافتند، گمان برند که باری به درک مقام عالی انسانیت رسیده اند و این خود اشتباه کلیست و حقیقت شناخت اصل انسانیت چیز دیگریست. برای اینکه خوبتر ملتفت شوند و به روح مطلب هرچه زودتر عطف توجه فرمایند، باری بگویند که چرا انسان‌ها با همه درایت گاهی بدکنشت و زمانی نیکخواه می گردند؟ چرا چنین می‌شوند و چه چیزها می‌تواند که این موجود کامل را باز هم به ورطه های ظلم، آدم‌خواری وغیره فجایع بکشاند؟ برای این که زودتر دامنهٔ صحبت را از خوف طوالت چیده باشیم خوبتر است تا بگوییم که خود را هنوز نشناخته است.

آیا این را از شناخت مقام انسانیت می‌دانند که دست کم چهار تا پنج هزار طیاره و چندین میلیون تن مواد منفجره با غیره استهلاک ماشین آلات و امثال آن را که رویهم‌رفته قیمت مجموعی آن، دو تا سه مرتبه همه غربای روی زمین را ثروتمند می‌ساخت؛ به میدان‌های جنگ کوریا، ویتنام وغیره فرو ریختند و میلیون‌ها جاندار را به شمول انسان از بین بردند آیا شناخت مقام انسانیت اینست؟ نه هرگز.

باید گفت که آدمیزاد غرایز فاسدهٔ خود را تحت سانسور قرار نداده و مهار نکرده است، لذا فرزندان بشر با پیشرفت‌های علوم معاش امروزی، تا علم معاد را واقعاً به خوبی درک نکرده باشند جوابده خواسته‌های حایز صلح و سلامت بشریت شده نمی‌توانند.

۱- سوال: انسان کیست؟

جواب: موجودی گذشته از دو طبقه اولیه ذیل که به کمیت و کیفیت بیشتر اند، ولی او به لطف و فضل خاص خداوند جل‌جلاله از آن‌ها عبور کرده است:

اول - بی جان‌ها: مانند کوه، ریگ، افلاک و غیره.

دوم ـ جانداران: از میکروب گرفته تا فیل در بر و از پشه گرفته تا شترمرغ در هوا و از کوچکترین زندهٔ بحری تا بزرگترین آن نهنگ، به موهبت ازین همه دهها هزار ماشین گذشته و به لطف به احسن صورت انسانی او را آفریده اند.

۲ - سوال: موقف مسلمان چیست؟

جواب: بر مؤمن خدای متعال لطف بیشتر کرده ابتدا به ساکن، او را در دایرهٔ رحمت خصوصاً به پوهنځی حربی خویش به پیروی قرآن و شریعت و اقرار بر وحدت خلق نموده است، علی الخصوص کسانی را که به وقت غربت اسلام به اعلای حق به جان، مال و زبان همت عالی چون رهروان صدر اسلام به منطق و دلایل علمی و اعمال نیک عملی دارند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که هرچیز را به نام و اسم می‌شناسد و اگر نام ندارد درحال به آن نظر به آیهٔ : ﴿وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا﴾ [1] نام می‌نهد.

ترجمه: آموخت خدای متعال به حضرت آدم علیه السلام نام‌های همه اشیاء (اسرار کلیه چیزها) را.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان دارای مغزی است که می‌تواند به حدود یک تا دو لک و یا بالاتر از آن کلمات را به خاطر سپرده و عندالفرصت چون فیتهٔ تیپ از مغز بدون کدام گردش، محتویاتش را ظاهراً بر زبان آرد.

۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از استماع اکثر اسماء قسماً به طور مخصوص و دارای کیفیت محسوس آن را به یاد آورده می‌تواند و یا به قسم اجمال و یا تفصیل می‌فهمد و آن را درک می‌کند.

---

۱. بقره/۳۰

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از برکت ﴿وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا﴾ کشف همه چیزها را با اسرار آن خدای متعال جل‌جلاله به مغز و دل او برای استفاده از دیگر اشیاء و منت گذاشتن بر وی و یافتن مقام شامخ علمی به او داد، ولی اکثر بی بهره‌گان آن را زادهٔ فکر شخصی خود دانسته و از عنایات او جل‌جلاله انکار ورزند.

٧ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان یگانه موجودی که می‌تواند افادهٔ مطلب قلب خود را در لابلای رسم الخط و شفرهای مورس[1] وغیره به طرف‌های مقابل بفهماند، اگر او باشد یا نه و حتی در حضور به کنایه های چشم و ابرو و یا جملات و کلمات مخصوص نیز حل مطلب کرده می‌تواند.

٨ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان یگانه موجودی که بهترین انواع اثمار و اشجار و معادن و حبوبات وغیره همه و همه به شمول کلیه حیوانات برای استفادهٔ او خلق گردیده است و تصرف خود را در آن‌ها ثابت می بیند و خودش برای معرفت خالق آنها باشد. گرچه خداوند جل‌جلاله این همه انعام خود را به وی عنایت نمود اما با تأسف بشر بندگی و معرفت لازم را ایفا نکرد.

٩ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان صنعتگر دست دوم به روی زمین است که از مواد خام اولیهٔ خلق شدهٔ ذات اقدس کبریا جل‌جلاله، اشیای طرف ضرورت را ساخته و به معرض استفادهٔ خویش قرار می دهد.

---

1 .Morse

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان یگانه موجودی که علاوه از استفادهٔ اعظمی و نهایی اشیای روی زمین، مخازن سر به مهر بطن زمین را نیز به دست آورده و بهره کشی های خیلی جالب و لازم را از آنها نموده و می کند.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که دنبالهٔ کار و افکار گوناگون او را بازمانده‌گان صالحش اکثراً مکمل نموده و به انجام می‌رساند، اگر قابل تعقیب باشد.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در تأمین زندگی همدیگر به حیات دسته جمعی نیازمند بوده و همین علت باعث بیشترِ آرامی شان گردیده است و اگر به همهٔ روی زمین تعمیم بخشند، چندین بار بهتر خواهد بود.

۱۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان تنها موجودی است که باید به ارتباط‌های فامیلی و قبیلوی و حتی محیطی به سویهٔ مملکت و جهان علاقمند باشد، زیرا نظرداشت‌هایی از آن‌ها در باطن و ظاهر دارد.

۱٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که می‌تواند مقلد اکثر آوازها و حرکات شود، یا به طور مستقیم با اعضای خود و یا به صورت غیرمستقیم توسط اسباب و آلات آن را منعکس سازد.

۱۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان تنها موجودی است که علاوه از عنایات فطری و اکتشافات صوری و معنوی، از تجارب همدیگر نیز استفاده برده و گرفته می‌تواند.

١٦ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که می‌توانـد تـاریکی‌هـای درونـی هـر چیـز را بـا اسـتفاده از روشنایی‌های مصنوعی و واقعی تنویر بخشد و از آن استفاده یی که می‌خواهـد بـه دسـت آرد، ولی تاریکی‌های غفلت، جهل و ظلم را اکثـراً نتوانسـتند کـه بـه نـور هـدایت تنـویر بخشند.

۱۷ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که می‌تواند سردی و گرمی‌های ناهموار را به واسـطهٔ اسـباب برخود گوارا و حتی معتدل و خوشگوار سازد، اما سردی قهر و گرمی شهوت را به خوبی جلو گرفته نتواند ویا لااقـل تعدیل نه بخشد.

۱۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که می‌تواند اظهار آلام ظاهری و باطنی خود را به تفصیل و یا به اجمال و یا نشـان دادن محـل آزار و کیفیـت آن و حتـی درد را بـه طـور شـکایت و یـا حکایت بازگو کند. اما آلام دوری از قُرب حضـور خداونـد جـل‌جلالـه را کمتـر کسـی دانسته و یا گفته تواند.

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تـا بگـویم شـرح درد اشتیاق
(مولوی)

۱۹ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که نابودی مخالفین و یا اشیای مورد نظر خود را علی الاکثـر توسط آلات گوناگون نماید، نه به واسطهٔ دهان و دندان برخلاف دیگر جانداران، **اما به دفع دشمنان باطنی هیچ آله و اسبابی نساخته است که همواره او را ناراحت می‌سازد.**

۲۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از فهم و تجارب همدیگر در بهبود حیـات خـود و نسـل های آینده اش استفاده کرده می‌تواند و این عمل باعث پیشرفت شان گردیده است.

۲۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان نه تنها چیزهای نرم و ملایم مأکولات را صرف می‌کند، بلکه مالک تصرف معادن بزرگ و کوچک گوناگون نیز باشد که آن‌ها را از بیخ برآورده و مورد استفادهٔ خویش قرار دهد و نابود سازد، جز بحرها کوه‌ها و خود کرهٔ زمین و فلک خویش را که عدم کرده نمی‌تواند.

۲۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که نه تنها از اجزای مرئی و بزرگ اشیای مادی استفاده‌هایی کرده و می‌کند، بلکه از جزئیات ناچیز جانداران مانند میکروب و بی‌جان‌ها مثل اتم وغیره، اشیای خارق العاده ساخته و از آن گاهی به نفع و بعضاً به ضرر خود و ابنای وقت خویش بهره گیری نموده و می‌نماید.

۲۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان یگانه موجودی در بین همه مخلوقات جاندار که به غرض بهبود زندگی آیندهٔ خود، انتظار همکاری کامل را در تأمین حیات خویش، از نسل و اولاد و احفاد خود می‌برد که قسماً اشتباه می‌کند.

۲٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان صندوقی است حاوی دو اصل روح و نفس و کمپیوتر عقل در باطن، اما ظاهراً قبرستان همه جانداران روی زمین باشد، به شمول فیل و دلفین در بحر و بر و هوا هرچه که هست، همه و همه از آن او بوده و برای انسجام زندگی خود به نحوی از انحا از ایشان بعضاً استفاده کرده، چون پیر شود او را بخورند، گویا قبرستان سیار عموم جانداران شکم انسان‌هاست.

تبصره

در بالا درست روشن شد که این موجود به نام انسان یا خلیفهٔ خدای زمین و زمان و همه عیان و نهان، دارای چه کمال و تصرفات بوده و به چه غرض خلق گردیده و بدینجا آمده است.

حالا به روی این معیار دقت کنند که ما برای چه کار، با چه قدرت و تصرف بدینجا رسیده ایم، ولی اکنون مسیر حرکت را تغییر داده و چه اشتباهاتی را مرتکب گشتیم و از دریافت صانع (ج) به جزء ناچیز مصنوعات فرو رفته ایم و آخر این غفلت به کجا رسیده و می‌رسد و با این همه هوشیاری و ادعا داری تمدن این دیوانگی‌ها چرا؟ مگر این همه اسباب آلات قتل و غارت انسان زادهٔ عقل سلیم است؟ نه هرگز.

آیا درک می‌کنند که مسؤول دست اولش شخص مسلمان و کافهٔ موحدان روی زمین اند، زیرا حقایق نور وحدت را می‌دانستند ولی هیچ کاری برای شیوع آن نکردند، خصوصاً عالم اسلام که در بیش از ۲۵۰۰ آیات قرآن کریم به وی همه رموزات راه وصل به تفصیل گفته شده، اما بدبختانه این‌ها را کدام زمره شیاطین جنی و انسی، به این کجروشی‌ها یکی بعد دیگری روبرو معتاد و معتادتر کرده و عدسیهٔ وسیع نظر ایشان را تا کجا تنگ و تنگتر نموده مورد غور مزید است. خوبست حالا بنگریم که آخر این موجود چه می‌شود و به کجا می‌رود؟

مسیر حرکت انسان در مظاهر علم و حقیقت آن

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که چون راکت، از عالم قدس، برای مشاهدهٔ انواع صنعت و دریافت معرفت صانع بی مثال او جل‌جلاله به اینجا آمده، در حالی که مجهز به دیدبان های ذره بینی مانند میکروسکوب و دوربین‌های فعال چون تلسکوب و کمپیوتر منظم چون دل، عقل و مغز بوده و ازاین هم بیشتر مالک تصرفات و اسراری باشد.

۲ - سوال: نتیجهٔ این آمد و شد انسان از کجا تا به کجاست؟

جواب: حد نهایی هر واحد ظاهراً تا سرحد پیری است، اما در حقیقت به روی ارادهٔ رها کننده و آورنده اش (حضرت کبریا جل‌جلاله) بدین صوب یعنی جهان رسیده است و الی ماشاءالله (اجل موعود) بوده می‌تواند.

۳- سوال: به چه وقت قطع بودنش از اینجا خواهد شد؟

جواب: همین که به علم مشاهداتی حضرت کبریای او جل شانه ثابت شد که او یکی ازین دو جهت (خدا جل‌جلاله یا دنیا) و یا هر دو را انتخاب کرده و غایه نهایی اش گردید، وی را باز گرداند.

٤- سوال: چرا برخی را به کوچکی نابود کرده از بین می‌برند؟

جواب: درین رازهای بسیار است و از جمله که تا بعضی مادران و پدران را به شفاعت ایشان از عذاب رها کنند و نیز همسالان او را مشکور سازند که آن‌ها را از بین نبردند و زنده گذاشتند و خود آن اطفال از دیدن پریشانی مادران، پدران، اقارب و برادران در محشر، شکرها کنند که با این تکلیف خوب شد در جهان به حال کبارت نرسیدند و معصیت و غفلت نورزیدند، باز هم به فضل، اهل مغفرت و شفاعت شدند؛ و مثل این چندین راز دیگر هست که اگر دقت کنند دریابند.

۵ - سوال: آیا نکات دیگر مهمتر ازین نیز باشد؟

جواب: بلی، راز مهـم اینجاست که اگر خدای متعال اشـخاص را به یک اندازه عمـر می‌داد و به تغـییر آوان، مرگ و میر نمی‌بود انسان‌ها به هر چیز بی پروا حمله مـی کردنـد، زیرا می دانستند که هنوز به سرحد مـرگ نرسـیده انـد و ایـن عمـل باعـث ازدیـاد غفلـت گردیده و در عین حال معنی ابتلا، بلکه حقیقت آن از بین می رفت.

٦ - سوال: مردن فرزندان صغیر کفار و ملحدین چه تأثیر دارد؟

جواب: تا پدران و مادران به مشاهدهٔ آن‌ها باری بدانند که اگر لااقـل بـر وضـع ایمـان فطری بدون مخالفت با موجودیت و اقرار بر یگانگی خداوند جل‌جلاله باقی می‌ماندنـد، به این نعمت (جنت) سزاوار می‌شدند و از عذاب‌ها نجات یافته به جنت یا بـرزخ مـأوایی می داشتند.

۷ - سوال: چه کسانی به شفاعت رها می‌شوند؟

جواب: آن مردمی که ذرهٔ ایمان فطری یا کسبی در قلب او باقی مانده باشد.

۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برعکس اشجار مثمر و قوی، شاخهٔ نـاچیز از وی بـه روی زمین بوده و ریشه‌های عالی از او تماماً به زیر زمین کلان و کلانتر شده می روند.

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی است که ریشهٔ او در زیر زمین و خودش به روی زمین مراحل رشد مرئی و نامرئی خود را طی می کند. یا به عبارهٔ دیگر به روی زمین سـه، چهـار تـن از سلسلهٔ نسل‌های وی بوده و اکثراً به زیر زمین هستند. یعنی زیربنای سلسـلهٔ اصـل نسـل و اسلافش در زیر زمین به طول هزاران سال قرار دارنـد کـه بـه ایـن حسـاب همیشـه ارگـان بزرگ و بزرگتر هر قوم و قبیله در زیر زمین بیش و بیشتر شده می روند.

۱۰- سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در روی زمین از مهد تا لحد، باید پابند قوانین دست ساختۀ خود یا قانون آسمانی باشد.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که اندازۀ عمر (بقا و فنای) اکثر چیزها را دیده و می‌بینند، ولی عمر دنیای مادی را باقی تصور می‌کند، زیرا عمر هر واحد شان فانی گشته و در حال حیات او شان[1] فنای دنیا دیده نمی‌شود و این بدان ماند که مورچگان نسل بالنسل به زیر درخت چنار زندگی کنند و گمان برند که چنار مذکور برای ابد است زیرا تا صدها نسل، چنار را پا برجا بینند.

آگاهی!

در لابلای مطالب فوق پس از درک ماهیت انسان و جستن و نشان دادن راه قرب حضور حضرت خالق این کون و مکان، بی‌مورد نیست تا باری نظر شما را به قسمتی از آن حقایقی بیندازیم که به طور یقین روشن کنندۀ وجود عالم بقا و دیدار حضرت کبریا جل‌جلاله است.

البته درک این دولت مبرهن و ثابت کنندۀ وجود بعد چهارم بوده و یا راهنمایی برای هر انسان خصوصاً مؤمنین، به دریافت رموز وصول و اسرار مربوط به آن است. خوشبختانه به عصر امروز چنانکه خداوند متعال دروازه‌های این همه نعمای ظاهری را به اختراع اسباب آلات تخنیکی، فزیکی، کیمیاوی وغیره گشاده و طوری به دسترس اختیار انسان‌ها قرار داده که شاید کمتر، شبه آن را به شاهان قرون پیشتر میسر نموده باشد.

چرا دقت نمی‌کنند معجزۀ سلیمان علیه السلام بود که یک ماهه راه را به یک روز در فضا طی می‌کرد، ولی اکنون طی یک یا دو ماه یا بیشتر از آن [مسافت] به یک ساعت

---

۱. حالت فاعلی شخص سوم جمع

برای هر شقی و سعید با طیاره میسر است و امثال این صدها نمونهٔ دیگر از وفور انعام که برای همگان از اولاد بشر داده اند.

امید به ذات واحد الاحد وهاب مطلق او جل‌جلاله چنان داریم و شما آمین بگویید و عملاً بکوشید تا هرچه زودتر به انعام دولت ایمان نیز، همگان را به سردمداری این کمینه و کلیه معاونان و نیکان جهان توفیق تعمیم بخشد که در سرتاسر روی زمین آفتاب وحدت و معرفت علمی و عملی اسلام، شیوع یافته و عدالت به پایهٔ نهایی خود طوری جهانگیر شود که نظیر آن در گذشته و آینده دیده نشده و نشود. بمنه و فضله الکریم الوهاب الرحیم

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که بهترین ایام زندگی خود (جوانی) را به طول عمر بعدی از آن یاد می کند و اظهار تأسف از گذشتن آن دارد، اگر اندکی دقت کند البته این را نیز می‌داند آن خدایی که ۲۰ تا ۳۰ سال یا بیشتر یا کمتر عمر جوانی و خوشکامی به او بخشید، بی‌شک این قدرت را دارد که به میلیاردها سال به وی این دولت را در جایی مرحمت کند که هیچ تکلیف و زحمت هم نباشد (جنت).

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی است که یک عبارت و مطلب را هر کس یکسان درک کرده نمی‌تواند، خصوصاً که در آن حقایق اسرار عالم بقا مضمر باشد. مثلاً این حقیقت واقعی به دیدهٔ صاحب نظران عالی درایت هیچ اشکالی نداشته و ندارد، چنانکه علما بقای زمین را به اضافه از میلیون‌ها سال تقریباً تصدیق کنند، آیا میلیاردها سال خالق و مالک این همه نظام و قدرت، زندگی در جنت به ما بخشیده نمی‌تواند؟ جواب مثبت است. ولی هستند عده‌یی که کمتر می‌توانند این واقعیت را دریابند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برای چند ماه معین، خوبترین ایام سال (بهار و تابستان) را دوست دارد و همیشه یکنواخت مدت طوالت مقید به زمان را به این فصول، ذات احد یکتا بخشیده است. پس چرا فکر نمی کند که خدای کریم جل‌جلاله میلیاردها سال نیز

می‌تواند بهار یکنواخت و فصل دلربا را به ما در جنت مرحمت نماید، با آنکه غایهٔ نهایی خلقت بشر برای دریافت موقف او به غرض فعالیت سلیم، در اینجا فانی و عاریتی بوده و اساساً برای آنجا (جنت) خلق گردیده است.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که خوب می‌داند هرگاه شخص یا مؤسسه یی برای یک یا چند سال کدام ماشین و آله بسازد، البته به قوت اسباب می‌تواند عمر آن چیز را اضافه از چندین سال نماید تا او به کار خود ادامه دهد و این را انسان باور می‌کند، ولی خدایی که برای انسان ۲۰ تا ۳۰ سال جوانی داد معترف نیست که او می‌تواند میلیاردها سال هم جوانی را به او در سرای ابد عنایت کند، بیشک اشکالی ندارد.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که با دلایل مثبتهٔ علمی و مشاهداتی یقین کامل به قدرت خدا و خالق یکتا جلت عظمته دارد و می‌بیند که از خاک و آب و انرژی نامرئی آفتاب، این همه رنگ و بو و کیفیت و حکمت و زیبایی‌ها را به فرآورده‌ای زمین داد. بیشک از جنس هزاران بار بهتر (جنت) اشیای کاملتر و عجیب‌تر کشیده می‌تواند که عبارت از جنت و بساتین آن است و اساساً این دورهٔ اکتری زندگی هر واحد به غرض پر کردن فلم حیات او بوده همین که روح از قالب برآمد، مطابق خلاصهٔ اعمال نیک و بد خود به یکی از جنان یا دوزخ‌ها جایگزین شود، لذا مرگ، قیامت صغرا و محشر، قیامت کبرا برای وصول عینی بدانجا باشد.

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در انواع فلزات و میوه‌ها و چندین نمونهٔ دیگر تفاوت‌هایی را می‌بیند و می‌داند گرچه به ظاهر یک اسم دارند، مانند این که همهٔ اثمار را میوه گویند ولی طعم، کیف و خواص هر یک جداست و هکذا همه انواع فلزات را فلز نامند، ولی ارزش یورانیوم و پلاتین و طلا وغیره در برابر دیگر فلزات با خواص و حکمتی که دارد

متمایز است. این چنین در بین کرات و افلاک، فلک جنان و از نگاه خاک، خاک آن ارزش صدها بار برتر از خاک تودهٔ ناچیز زمین دارد.

۷ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که انواع خلاقیت و رزاقیت را به صورت‌های گوناگون که موجود است بیند که در هریک آن، نظام تسلسلی به کار رفته، ولی بنابر ضعف قدرت به تنویر باطن احساس کرده نمی‌تواند که خداوند جل‌جلاله خالق این همه نظام بوده و به انواع دیگر نیز آفریده می‌تواند که در رسایل بعدی حقیقت آن را خوبتر می‌دانند.

روح ما، کلید حقایق آن سرا

در مقدمهٔ روح و سوالات مربوط به آن لازم دیدیم تا جنساً دو سوال و جواب را به این سلسله در اول مطرح سازیم که البته از مطالعهٔ آن بر حقیقت دریافت ماهیت ارزش روح انسانی و مقام شامخ اش در اسلام دست ناخوردهٔ قرآن و ارشاداتی که رسول علیه‌السلام نمودند به خوبی تمام پی‌می‌برند و متعاقباً به داخل دو ماده دلایل موجودیت روح را ارائه نموده و سپس به ماهیت آن نظر شما را انداخته و بعد از آن که انسان‌ها از اجداد خود آدم و حوا علیهما السلام چه صفاتی را به ارث آورده اند، مطالب مختصری را تذکر دهیم و بالنوبه غفلت و اضرار ازین ناحیه را روشن ساخته و بعداً به موضوعات مربوط به دریافت شئونات مثبت و منفی روحی جلب توجه تان را به یاری خدا جل‌جلاله می‌نماییم.

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان مخلوقی که برای معلوم کردن و دیدار سیاره‌گان تلسکوب و برای دیدن میکروب، میکروسکوب، برای تثبیت ولتیژ برق، میگر و به غرض اندازه گیری حرارت، میزان الحراره وغیره اشیاء را ساخت؛ و تا آلات و اسباب مانند تلسکوب و میکروسکوب و میگرهای گوناگون با میزان الحراره‌ها نباشد، حقیقت اندازهٔ اشیای مذکور را ندانست. ولی دید و فهم و درک بعد چهارم علی الخصوص قرب ذات اقدس کبریا جل‌جلاله را تصور می‌کند که به مغز و دل ناچیز ساده و تصفیه ناشده که به یک تابلیت از پا می‌افتد و یا به دیدن چهرهٔ زیبایی محو می‌شود و امثال این، باز هم می‌خواهد که با خالق و صانع جل‌جلاله ارتباط را به این پسمانی و غفلت مزیدی که دارد حاصل کند.

۲ - سوال: آیا آلهٔ دریافت اسرار بُعد چهارم با خود شخص است؟

جواب: بلی، **اول**- روح، **دوم**- علم (عقل)، **سوم**- قلب.

هرگاه انسان قوای روحانی خود را قوی نمود و معرفت و عبادت و خدمت به خلق الله را برای خوشنودی ویتعالی همیشه کرد، نفس از مقام امّاره به مطمئنه مبدل شود. بی‌شک قلب تصفیهٔ واقعی از محبت غیرالله یافته و چشم حقیقی روح با غیره حواس اصلی آن فعال گشته، آنگاه می‌تواند مشاهدهٔ جلال و کمال حضرت او جل‌جلاله را به دیدهٔ باطن یا روح بنماید و این درست فرصتی است که دست، چشم، گوش، پای وغیره حرکات و تصرفات او همه و همه به ید قدرت خاص اوتعالی(ج) متعلق گردد، و رسول علیه السلام از طرف پروردگار به حدیث قدسی گوید: **«وَ مَا يزَالُ عَبْدِىْ يَتَقَرَّبُ اِلَىَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى اَحْبَبْتُه فَاِذَآ اَحْبَبْتُهُ فَكُنْتُ سَمْعَه الَّذِى يَسمَعُ بِه وَ بَصَرَه الَّذِى يبْصِرُ بِه وَ يَدَه الَّتِىْ يَبطِشُ بِهَا وَ رِجْلَهُ الَّتِى يَمْشِىْ بِهَا»**[1]

ترجمه: همیشگی می کند بنده در ایفای نوافل تا آنکه نزدیکی یابد بدین وسیله به من و او را دوست خویش گردانم، پس علامت قرب حضرتم به انسان اینست که می‌شنود به من و می‌بیند به مقدورات بصیرت حضرتم و می گیرد به دست بلاکیف من و می‌رود به قدرت خاصم که دیگران را مقدور نباشد و آزار او آزار خدا و خوشنودیش بجا آوری رضای خدا جل‌جلاله باشد. **«وَ عَن اَبِى هُرَيرَة (رض) قَالَ رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وسلم اِنَّ الله تَعَالَى قَالَ مَن عَادى لِىْ وَلِيًّا فَقَد اَذَنته بِالحَرب»**[2]

ترجمه: کسی که دشمنی کند به یکی از دوستانم، خبر ده او را به جنگ علیه من.

این بندگان، مؤمنان بوده و به دریافت موقف اصلی اسلامیت و انسانیت رسیده اند و آنچه قرآن کریم به مردم و پیروان خود خواسته و می‌خواهد که بیاموزد، این راز بزرگ تقرب خدا جل‌جلاله، از راه ارتباط بنده با حضرت کبریای او جل‌جلاله است و بس.

---

۱. رواه البخاری، ابن ماجه و مشکوة (باب ذکرالله و تقرب الیه)

۲. رواه البخاری، مسلم، ابن ماجه و مشکوة

اگر منظور از اصل ارتباط بشر با خدا جل جلاله در این سراچه آزمون دنیا نباشد، پس قرآن کریم چرا در اضافه از ۱۵٦ آیت، راز خرابکاری‌های شیطان را توضیح می‌داد و چرا در ٦۲۵ جای از ایمان و عمل صالح مرادفاً آرزوی اسلام عملی را می‌نمود و امثال این اسرار بسیاری است؛ و از جمله چرا تصرف سلیمان علیه السلام و همراهانش را به آوردن تخت بلقیس، از فاصله دو ماهه راه دورتر به یک نظر می‌گفت و آیا منظور از همچو وقایع، مثل زنده شدن چند مرغ به هم آمیخته و آمدن به صدای ابراهیم علیه السلام و از گل مجسمه ساختن و زنده گردیدن به دست عیسی علیه السلام و همراهان او با احیای اموات و صدها کیفیت را برای چه و به منظور چه گفته است؟

هرگاه ما حقیقت فرمودهٔ رسول علیه السلام «**عُلماء اُمَّتِی کَاَنْبِیاءِ بَنی اِسرائیل**»[1] را بدانیم که دارای چه اسرار و رموزیست به روشنی تمام در می‌یابیم، مؤمنان عامل و عالم این امت نیز دارای آن اسرار و کمالات باطن شده می‌توانند که انبیای بنی اسرائیل داشتند.

باز هم در خلال سوالات مذکور اگر پرسیده شود که چرا به درک و دریافت این دولت مسلمانان نشتافتند؟ انکار نمی‌توان کرد که کوشیدند و کشیدند از آن اسرار بارها بهتر و بیشتر را، چنان که به شرح حالات مردان حق در«تذکرة الاولیاء»[2] و امثال آن حقایقی گفته شده و روایت‌ها آمده است، اما از اینکه در طلب آن پای همت اکثر معاصرین مؤمن ما لنگ شده، عذر تنبلی ما مسلمانان است.

ولی اکنون فرصت آن فرا رسیده که به بسیار ساده‌گی و آسانی به اتصال این دولت از فضل خاص حضرت ذوالجلال، بدون هرگونه ریاضت‌های شاقه موفق گردیم و طرق آسان و راه کوتاهش، درک عالی و درایت علمی به تجزیه و تحلیل اتوم انسان باشد و بس، که لله الحمد دروس و رسایل مقدماتی این علم با همه اساسات نهایی اش، به یاری خدای عظیم انسجام کامل یافته و به دسترس

---

۱. ترجمه: علمای عامل امتم مانند پیغمبران بنی اسرائیل است. (الحدیث: مشکوة)

۲. اثر شیخ فریدالدین عطاری نیشاپوری

علاقمندان نهضت واقعی اسلام مطابق حالات عصر و زمان با جهان بینی وسیع تسوید گردیده، یکی بعد دیگر، شایقین آن را به دست آورده می‌توانند. به امید گشایش هرچه زودتر و جمع آوری طالبان او جل‌جلاله در بر و بحر و حتی کرات دیگر. بمنه و فضله الکریم - آمین یا رب العالمین.

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان مخلوقی که موجودیت بسیار چیزهای نامرئی را در اشیاء، به واسطهٔ آله و اسباب و یا دیدن فعالیت آن قبول می‌کند، مانند موجودیت برق در لین یا بطری‌های خشک و یا موجودیت صوت و صور در هوا که به واسطهٔ دستگاه‌های آخذهٔ رادیو و تلویزیون احساس می‌گردد، ولی موجودیت روح را در بدن عده یی کم فهم و منکر از حق قبول ندارد.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در ترانسفارمرهای بزرگ و کاندنسرهای کلان، ذخیرهٔ برق را قبول دارد، با آنکه ظاهراً هیچ ثقل و یا خِفَّت که دال بر قبول آن باشد محسوس نیست، ولی بودن روح را در بدن که وجود و فعالیتش تا دام حیات ثابت است و پس از فراق آن، بدن جماد مطلق با همه جوانی و قدرتی که داشت، می‌گردد، با این هم هستند چنان منکرینی که از وجود آن به شدت انکار دارند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان خلیفهٔ خدای متعال بر روی زمین است به حکم آیهٔ مبارکه:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [1]

ترجمه: به تحقیق می‌گردانم بر روی زمین جای نشین یا خلیفه را.

اما از برکت روح و عقل مکتشف و نفس که اگر مطمئنه باشد بی‌شک خلافت او ثابت بر کلیه اشیای مادی و روحی می‌گردد.

---

۱. البقره/۳۰

٤ - سوال: انسان کیست و شرافت روح انسان بر جانداران دیگر چیست؟

جواب: این حقیقت مسلم است که شرافت روحی او بر حیوانات به حکم: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي﴾[1]

ترجمه: دمیدم در کالبد انسان از حضرت خویش چیزی را به نام روح که خدای متعال به خویش نسبت فرموده، واقعیت انکار ناپذیر است، لذا به برکت این روح و شرافت علم، بر همه موجودات حکمروایی می کند.

٥ - سوال: آیا می‌توان اندکی روشنی بر فضیلت روح انسان انداخت؟

جواب: آری! روح انسان در وهلهٔ اول به حالت طبیعی معادل روح ملک و ساکنین آن مقام بوده می‌تواند، ولی پس از تزکیه به نیروی اتوم نفس [مطمئنه] عروجی را حاصل می‌نماید که به اشراف ملک هم میسر نباشد. لذا رسول علیه السلام عوام بشر مؤمن را بر عوام ملک و خواص بشر را بر خواص ملک، اشرف گفتند.

٦ - سوال: آیا مدارج روح ازین هم بیشتر است؟

جواب: آری! در اول پیدایش، روح به مرتبهٔ **جان** باشد، لذا طفل هنگام شیرخواره گی که تا هنوز جسدش چشم و گوش و عقل و هوش را نیافته است، ملک به او صحبت هایی کند که اثر آن صحبت و آمیزش را در حال خواب و بیداری به خنده و یا سیمای گریه از او در گهواره دیده می‌توانیم، اما بعداً اگر حالت نفس در او بنابر تربیهٔ خراب برخی فامیل‌ها یا محیط‌های فاسد اوج گرفت، **جان** به روح **انسانی** مبدل شود، و اگر مدارج نفس پیش و پیشتر رفت، به روح **حیوانی** مبدل گردد که در چنین صورت شخص به لباس انسانیت بدتر از گرگ و یا غیره درنده‌گان با همه مکاری بوده و محیل تر از او صد بار باشد، با آنکه می‌داند از اینجا حتماً بیرون شدنی و رویش جانب سرای باقی است، ولی برای آرامی و راحت افزایی خود به کارهایی دست می‌زنند که در آن پریشانی فرد یا افراد به خواستهٔ او صورت می گیرد، برعکس به ایفای اعمالی که صد در

---

۱. الحجر/۲۹

صد برای بهبود حیات اجتماعی، به غرض خوشنودی خدا جل‌جلاله در شریعت اسلام دست ناخوردهٔ قرآن مقرر شده، توجه لازم نمی‌نماید.

۷ - سوال: اگر شرافت انسان به واسطهٔ روح باشد پس موجودیت روح در همهٔ جانداران است، چرا این شرافت را به آنها نه بخشیده اند؟

جواب: نه تنها شرافت انسان از نگاه روح عالی انسانیست، بلکه عقل منکشف نیز از اعطیات حضرت ویتعالی است، اما اینقدر باید دانست که روح انسان از جنس روح حیوانات نبوده و نیز به آن صورت باقی مانده نمی‌تواند، مگر که به بدبختی گراید، آن وقت روح او را روح حیوانی گفته بلکه: ﴿ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ﴾ [1]

ترجمه: بلکه ایشان گمراه‌تر[و بدبخت‌تر] از چارپایان اند و هستند ایشان غافلان[از تعمیل حقایق و اوامر قرآن دست ناخوردهٔ اسلام].

گرچه تمامی آیهٔ فوق در بارهٔ شرح علامات مؤمنین غافل طبقات جن و انس آمده و ما جزء از آن را فوقاً برای تثبیت مطلب چنین گواه آورده ایم و بس.

۸ - سوال: تفاوت بین روح انسان و حیوان چیست؟

جواب: قیاس کردن روح انسان، به روان زندگی حیوانی اشتباه کلیست و ناشی از تنگ نظری باشد، برای روشن شدن موضوع بی مورد نیست که به غرض مقایسهٔ ماهیت اصلی روح انسان تا روح حیوانی به مثال ذیل دقت نمایید:

طوری که می‌دانید همه اشیای معدنی قابل ساختن پیرایه‌های لازم را فلز گویند، اما هیچ یکی هم به ارزش طلای زرد و سفید وغیره نیست.

۹ - سوال: مثال دیگر برای روشن شدن موضوع تفاوت روح انسان از حیوان چیست؟

جواب: این چنین در احجار ارزش و کیفیت فیروزه، لاجورد، لعل و امثال آن اگر چه ظاهراً سنگ و یا از اقسام و همجوار و همنشین سنگ اند، اما سنگ‌های دیگر به ارزش ساخت و قیمت آن نمی‌رسد.

---

۱. اعراف/۱۷۹

۱۰ - سوال: می‌توان مثال دیگری هم اضافه کرد تا موضوع ارزش روح انسان روشنتر شود؟

جواب: هکذا تریاک و امثال آن از جنس علف و سبزیجات اند، آیا نباتات دیگر کیفیت و خواص و ارزش تریاک را دارند؟ نه هرگز. و نیز یکنوع نبات جاندارخوار[1] در امریکا به کنار دریای (میسی سیپی و امازون)[2] دیده شده، به محضی که هر جاندار به آن تماس گیرد، بر وی پیچیده، درحال آن جاندار را ذوب کرده می‌خورد تا تماماً او را از بین ببرد.

۱۱ - سوال: آیا ممکن است مثال دیگری را بر آن افزود؟

جواب: هزاران سال است سیارات و ستاره‌هایی ثابت هستند، اما خواص و کیفیت ستاره گان شمسی را ندارند بلکه خواص شموس افلاک به ذات خود خیلی‌ها برتر از ستارگان دیگر است، اگر چه به ظاهر همه مدور یا بعضاً بیضوی و یا به غیره اشکال هم دیده می‌شوند، این چنین موقف روح انسان و ارزش ارواح دیگر جانداران به دیدهٔ هر صاحب نظر روشن و هویداست.

۱۲ - سوال: سرحد رشد بشر تا کجاست؟

جواب: انسان موجودی که علاوه از رشد ظاهری تا جای معین، رشد قوای نفسانی و یا روحانی بلا تعیین دارد که دوران تکاملش حتی بعد از مرگ دوام یافته بعضاً تا دام قیامت جاری و رو به کمال دیده می‌شود.

۱۳ - سوال: این ذوات چه کسانی اند که پس از مرگ نیز مدارج باطن شان تکامل یافته می‌رود؟

جواب: آن ذوات شریف که در شیوع وحدت و تعمیم عدالت در پرتو خداشناسی، در جوامع بشری با غیره کارهای نیک باعث آرامی خلق لله شده باشند و یا اولاد صالح و خیر باقی را به اجتماع سپرده و به تعالیم عالی اسلامی

---

1. Venus fly trap
2. Mississippi , Amazon

باطناً و ظاهراً مردم را تنویر بخشیده اند، تا زمان بقای آن کارنامه‌های نیک، حسب حدیث شریف:

« مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَعَمِلَ بِهَا كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَمِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا لاَ يَنْقُصُ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا. . . »

ترجمه: کسی که گذاشت روش نیکو را و بآن عمل نمود مر او راست اجر آن و اجر کسانی که بدان عمل می‌نمایند [تا روز قیامت] در حالیکه از ثواب پیروان کم نمی‌شود چیزی، **یعنی به عاملان و بنیانگذاران اول و دنباله روان بعدی، خیر باقی و ثواب جاری را الی ماشاء الله پس از مرگ نیز اجر دهند خصوصاً به عاملین و مروجین این دولت به عصر حاضر.**

۱٤ - سوال: آیا برای بنیانگذاران اعمال ناشایسته چنین مجازات باشد؟

جواب: اشخاصی که در امور بد و کارهای ناجایز گرفتار اند، فی البدیهه و یا بعداً نتیجهٔ آن به ضرر فرد یا اجتماع واقع شود و یا دیگران تقلید آن کار نا جایز را نسل بالنَّسل کنند به حکم آیات کلام الله، دال بالشر (دلالت کننده بر بدی بوده) به مصرحه حدیث **«وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ بِهَا كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ لاَ يَنْقُصُ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا»**[1]

ترجمه: کسی که رایج کرد روش بد را، بر اوست جزای آن و پیروان بعدی [تا روز قیامت] در حالیکه کم نمی‌گردد از گناهان ایشان چیزی.

البته شخص به جزای معادل تعداد دنباله روان آن عمل مسئول باشد، تا کجایی که دوام یابد مجازات بانی اول اضعاف و مضاعف گردد و اشدترین رواج‌های بد، انکار از خدا جل‌جلاله، شرک وغیره علی مراتب است که فقها آن را دسته بندی[2] لازم کرده اند.

---

۱. رواه ابن ماجه، البخاری، مسلم و مشکوة.

۲ بروایت صحیحین گناهان کبیره تحت عنوان موبقات سبعه یعنی مهلکات هفتگانه حسب ذیل اند: سحر، قتل ناحق، سودخواری، خوردن مال یتیم، فرار از میدان جهاد و قذف زن پاکدامن مسلمان که به

تبصره

اکنون که به ماهیت ذاتی روح و پاره یی از کمالاتش مسبوق شدند، لازم است تا بدانیم که چرا این نیروی کامل و دارای هرگونه تصرفات را با بطری ایمان که فطرتاً انسان با خود دارد، آدمیزاد خصوصاً مسلمین آن را درست به کار نینداخته، باعث این همه پسمانی‌ها گردیده است؟ در جواب باید نظر خود را به دو اصل اساسی این کم توجهی معطوف دارند:

اول: از آنجا که شیطان با انسان دشمن واضح و روشن است و همیشه می‌کوشد تا به روی تعهد و قسمی که به حضور خداوند جل‌جلاله یاد نموده است: ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾[۱]

ترجمه: گفت به جلال و عظمت تو سوگند (ای خدا) که به تحقیق یاغی و باغی گردانم همهٔ شان را، یعنی اولاد بشر را به هر صورت و کیفیت که شود از شاهراه حقیقت به سیاه چاه ضلالت اندازد و سرانجام اعمال و طاعات مورث قرب او را باطل و یا به طور شرک خفی فاسد نماید و هم اگر موفق گردد به کلی او را از وجود خداوند جل‌جلاله منکر محض گرداند. چنانکه به عصر ما بدبختانه این روحیهٔ فاسد و خبیث از طرف عده‌یی از همکاران شیطان به انواع و وسایط گوناگون به شدت و حدت هرچه بیشتر تقویه می‌گردد.

به مرتبهٔ دوم: هرگاه در برخی اوقات روح، بدن را بی تاب کرده و او را به دریافت نعمای سرای ابد ملتفت ساخته و فغان‌ها نموده و انسان را به سوی خداجویی و راستگویی متوجه نماید، باز هم شخص به این خواستهٔ او به خوبی متوجه نمی‌گردد، علت چیست؟

رجم وی بیانجامد. هکذا به اختلاف نظر علما جمعی گناهان کبیره را ۲۵ و برخی۴۰ عدد نیز گفته اند که درین بحث گنجایش ندارد.

۱. ص/۸۲

زیرا وی از اول قوای روحانی خویش را قوت نداده بود، ازینرو نفس با استفاده از فرصت به همکاری شیطان او را چون طفل به عوض مساعی به دریافت لذایذ نعمای جهان باقی، به این عالم فانی متوجه کرده و انتها از هر مدرک به هر صورتی که شود، می‌کوشد تا وی را به این و آن بفریبد، بنابرین مردم سرمایه دار یا مقتدر قسماً ناراحت، پریشان و دلتنگ تر اند، زیرا سر هم کردن اموال جهان از وجوه حرام، اغفالگری برای انسان و روحانیت مسلمان باشد و این که گفتیم روح انسان وقتاً فوقتاً به دریافت اسرار قُرب حضور و نعمای سرای ابد، شخص را متوجه می‌سازد، دلیلش اینست که ارواح در اول خلقت حضرت آدم (ع) آنجا و آن نعما را دیده بودند، ازینرو در جستجوی آن شخص را پریشانی در باطن باشد، ولی شیطان با استفاده از آن او را به خواسته‌های لازمی نفس مایل می‌سازد، گویا به آن تقلیب داده به نعما و لذایذ دنیوی وی را متوجه می‌نماید. مثلاً عوض دریافت حوران و قصور در جنان باقی، وی را به زن‌ها و اپارتمان سازی درین دنیا و به دست آوردن باغ‌ها سرگرم کند، اما این کجا و آن کجا! باز هم آرامی در قلب خود به آنچه ازین نعما اگر به دست آید شخص نمی‌یابد.

اینک ذیلاً بعضی از خواص روحی عالم قدس را مطالعه نمایید که با انسان‌ها اینجا آمده و اولاد بشر را باطناً به دریافت آن همیشه نا آرام می‌دارد و نفس و شیطان از آن استفاده‌ها کرده و به جمع آوری مال و منال این جهان از مدارک حلال چه که اکثراً به حرام خواری متوجه نموده و انسان را بدین وسیله زیردست و مُسَخَّر خویش می‌سازد، گویا همچو اشخاص ظاهراً آدمی زاد ولی معناً گرگ درنده نهاد محض اند.

قسمتی از آثار جنان در انسان

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی دارای خواهشات طبیعی و ذاتی حب ریاست، پرواز در هوا، رفتار بر آب و مایل به سواریهای جاندار چون اسپ، شتر و بی جان چون موتر سایکل، موتر، طیاره و غیره، متمایل به خورد و نوش رنگارنگ وعلاقمند ملبوسات متنوع و شایق به سازها و آوازها و آرزومند باغ‌ها و بوستان‌های وسیع و متوجه به اپارتمان و قصرهای هرچه عالیتر و بلندتر و خواستار بود و باش در هر کجا با همسر و مایل به دیدن منظره‌های گوناگون طبیعت و از آن حظ گرفتن وغیره **ادراکات تربیه شدهٔ فطرت** را با خود همراه دارد که از جدش آدم علیه السلام برایش ذاتاً رسیده، زیرا همه ذریات آدم علیه السلام در هنگام بودن او در جنت در محفظهٔ خاص جسمش بودند و از آن لذایذ و نعمایی که ذیلاً پارهٔ آن را در سوالات می‌یابید، بهره‌هایی می‌گرفتند، نهایت بعضی‌ها کمتر و برخی بیشتر.

۲ - سوال: چرا انسان به این همه لذایذ فطرتاً متمایل است؟

جواب: زیرا جد او حضرت آدم علیه السلام را خدای متعال در اولین وهلهٔ خلقت در جنت، به چنین نعمای مکمل و رایگان در آنجا، به تقویهٔ غرایز جسمی و معنوی، معتاد و متوجه نمود، که قرآن کریم وغیره کتب آسمانی درباره، توضیحات بسزایی داده است.

۳ - سوال: چرا انسان از فنا و معزولی خود احساس رنج می‌کند؟

جواب: زیرا بقا و عمر ابدی و مسکن اصلی فنا ناپذیر خود را در وقت بودن به صلب پدر (حضرت آدم علیه السلام) در جنت احساس کرده بود و هکذا تصرف باقی و لاینقطع خویش را در ساحهٔ وسیع جنت برای همیشه بدون کدام رقیب درک نمود، لذا اکنون که فنا و عزل را می‌بیند به وی نامرغوب نماید و رنج کشد.

٤ - سوال: چرا انسان از ضعف خود در هرچیز خصوصاً پیری وغیره نا آرام است؟

جواب: زیرا در جنت اصلاً ضعف به هیچ چیز در خود نمی‌دید، به امید آن بقا در این دار فنا، ناخودآگاه خود را دچار شکنجه می‌یابد، لذا روح آمیخته با نفس نا آرام می‌شود و اگر پاک شده باشد هیچ اشکال ندارد، زیرا وصل دوست به دوست فقط تهی شدن قالب از روح است.

«اَلَموتُ جَسْرٌ یُوصَلُ الْحَبِیبَ اِلَی الحبیب» الحدیث

ترجمه: مرگ پل است وصل می کند دوست را به دوست.

٥ - سوال: چرا انسان به خدمت گزاری جنس خود و متابعت وی در مقابل خویش خورسند و خوشحال می گردد؟

جواب: زیرا علوِ نفس او را علاوه از تصرفات کامل بر اشیاء، اقتدارش را بر مثل او هم به سویهٔ پایان تر می‌خواهد که این زادهٔ حب ریاست بوده و از موروثات جنت است، اما به شکل نا درست تحت تأثیر فاسد قوای شهوانی و خود پرستی در اکثر اولاد بشر رشد نموده است و در جنت غلمان به حضرت آدم و حوا علیهما السلام خدمت می کردند.

٦ - سوال: اگر بیشتر درین باره روشنی اندازند؟

جواب: اساساً نسل‌های جوان و خوش چهره از قدسیان در جنت به حضرت آدم علیه السلام مصروف خدمتگزاری بودند، به روی این هسته فطرتاً اولادش نیز ذوق در تصرف به عین جنس داشته و تمایل به آن خدمت گزاری در وی دیده می‌شود.

۷ - سوال: در این چه راز و حکمت اضافه‌تر خواهد بود؟

جواب: بلی! عده یی پست همت غافل این جهان، در آن سرای باقی به مقامات ادون به اثر کارهای نابجای دنیا در عالم بقا باشند و حتی بعضاً خواهش کنند که اگر به صف خدمتگاران و مخلصان نیکان خلق گردند زیرا به شفاعت شان، نجات از عذاب یافته اند.

۸ - سوال: چرا انسان می‌خواهد که به تطبیق احکام و خواسته‌های خود علاوه از وسایط مرئی و قدرتی که دارد، از راه باطن به ذرایع گوناگون و تأثیر اسماءالله و آیات کلام لله وغیره به طور معجزه، اشیاء را به دسترس اختیار خویش درآرد؟

جواب: زیرا در جنت نه تنها حکم اجدادش علیهما السلام، بر اشیاء توسط حور و غِلمان و یا دیگر کروبیان اجراء می‌شد بلکه به استفادۀ برخی از اسرار اسمای او تعالی جل‌جلاله به محض که ارادۀ قلبش در جنت، به دریافت کدام چیز مایل می‌گشت در حال از برکت خواندن اسماء الله آن را به حضور خود حاضر می‌یافت.

۹ - سوال: انسان چرا جریان تطبیق امر خود را در اجرای امور هرچه بیشتر و زودتر می‌خواهد؟

جواب: زیرا حکم جد او در جنت به هر شی و چیزی فوراً جاری و قابل تعمیل بود و از آن ارث، اکنون به تطبیق همه خواسته‌هایش بیش از پیش متوجه است و هم نظر به فطرت: ﴿خُلِقَ ٱلْإِنْسَـٰنُ مِنْ عَجَلٍ﴾ [1]

ترجمه: آفریده شده انسان تعجیل زده یعنی دارای صفات چابکی و شتاب زده گی.

ذاتاً انسان عجله زده و شتابکار است تا رسیده گان به دانستن و دیدن همه جوانب کار علماً توجه کرده و عملاً ممتاز شوند.

۱۰ - سوال: انسان چرا مایل به رنگ‌هاست؟

جواب: زیرا یکی از بارزترین زیورات در جنت از هر نگاه و در هر جا علاوه از رازها و حکمت‌های عالی که در طرز استفادۀ آن‌هاست، با این هم، همه و همه منقش به رنگ و رنگ‌ها و دلربایی‌ها بوده و در عین حال دوار و رقاص جلوه نموده و تماماً زنده باشند.

۱. انبیاء /۳۷

۱۱ - سوال: کیفیت بودن نطفهٔ انسان ها در پشت حضرت آدم علیه السلام در جنت با آمدن شان به دنیا چه اثر دارد؟

جواب: حالا هم انسان به اثر آن دولت، دارای روحیهٔ عالی انسانی است اما به شرطی که به تصفیه و تزکیهٔ لازم، قلب و نفس خود را سر براه کرده باشد، چنانچه عده یی از پاک روحان مؤمن، به اقتفای دریافت آن فضیلت سرای ابد و قُرب حضرت واحد الاحد او جل‌جلاله، می‌خواهند به تطبیق خواسته‌های خویش از راه تصرف در اسرار اسماء الله حضرت ذوالجلال و الاکرامش نیز موفق گردند. اما جمعی دیگر شهوانی بروی آن ذوق ارثی برای آرامی نفس، به ساختن جاه و یافتن کرسی و منازل عالی از راه‌های نامشروع می کوشند تا به دست آورند و اگر نه بایست چون حیوانات پستاندار دیگر، انسان نیز بی‌علاقه به دریافت این همه لذایذ و خوشکامی‌ها می‌بود.

۱۲ - سوال: آیا این تصرف در اسرار اسماء لله به انسان چطور ممکن باشد؟

جواب: بلی به دو صورت: یکی آنکه در هنگام به دست آوردن آن انسان پیروی نفس را نموده و اغوای شیطان را دنبال کند و در نتیجه از خداشناسی بعید گردیده و در مردم آزاری و آنهم به نفع خودش کوشان گشته و پای بند سحر گردیده و از راه اعمال ناجایز و نا مشروع، به اکمال ادعیات به اسلوب سحرخوانی توفیق یابد، که عاقبت همچو مردم نظر به جفا کاری‌هایی که دارند و کنند تاریک و تاریکتر باشد.

۱۳ - سوال: لطفاً قسمت دوم صحیح آن را نیز توضیح دهید؟

جواب: صورت دوم این تصرف به محور خداشناسی و خداپرستی چرخیده و این معرفت را از دولت مشاهدهٔ اشیاء و مصنوعات و مخلوقات حضرت وی جل‌جلاله در قدم اول چنان به دست می‌آورند که در هر مصنوع، جمال و کمال صانع یکتا جل‌جلاله را مشاهده می‌نمایند و این را **سیر آفاقی**[1] گویند، ﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ﴾[2]

۱. سیر آفاقی: دیدن و نظاره کردن جهان هستی و از آن دریافت عظمت و جلال و کمال خداوند (ج).

۲. بقره/۱۸۵

ترجمه: خدای متعال اراده دارد به شما آسانی را و نمی‌خواهد تا در تکالیف مالایطاق واقع شوید. البته در اینجا **سیر انفسی**[1] نیز باشد و سپس به دوام تقویهٔ روح و تزکیهٔ نفس و تصفیهٔ قلب به تلاوت اسماء الله و کلامه و اسرار آن توجه نموده و استقامت ورزیده و در آخر به مدارج مشاهدهٔ عالم قدس علی مراتب درجات نایل گردند. اینها کاشف اسرار بعد چهارم و دارای تصرفات واقعی در عالم ارواح گشته و در زمرهٔ اولیاء لله و بالاتر از آن محشور شوند، که به رسالهٔ **(تجزیه و تحلیل اتم انسان)** شرح بسزایی را درین باره به یاری خدا جل‌جلاله ملاحظه خواهند کرد و قرآن کریم توضیح مختصر آن را به اسامی«علم الیقین»[2] و «عین الیقین»[3] نسبت کرده است.

١٤ - سوال: سیر آفاقی چیست؟

جواب: دید اشیای ماحول و دریافت اسرار پوشیده (مخفی) که صانع جل‌جلاله در آن نهاده و طرز استفاده از آن را سیر آفاقی گویند، که خوشبختانه انسان بیشتر اشیای دور و پیش خود و افلاک وغیره را یکایک اکثراً شناخته و ازین مطالعه، اسرار عظمت خالق و کردگار را دریافتن، سیر آفاقی واقعی باشد، اما از اینکه برعکس خود را نشناخته و تحت مداقهٔ نظر قرار نداده، لذا سیر انفسی اش مکمل نگشته است.

---

۱. سیر انفسی: دیدن و نظاره کردن اسرار وجود خود و دریافت عوامل مثبت و منفی آن با تجزیه و تحلیل وجود خود انسان.

۲. علم الیقین: دانستن چیزی به کمال یقین از راه فکر و اندیشه.

۳. عین الیقین: یقین به کیفیت و ماهیت چیزی با دیدن آن به چشم.

تبصره

در لابلای سوالات و جوابات فوق که گفته آمد، **اساساً ارزش عالی انسانی خیلی‌ها بالاتر ازین است که بشر به پاره یی از تصرفات مادیات می‌بیند و این حقیقت وقتی به انسان میسر می‌شود که در او نیروی ایمان و روح عالی و عالیتر گردد، یا به عبارهٔ دیگر چنانکه توسط عقل مکتشف، انسان به بسیاری از اسرار ابعاد ثلاثه یا ماده موفق و چیره می‌گردد، این چنین توسط روح و تقویهٔ آن نیز می‌تواند به زودی به رموز حقایق اسرار بُعد چهارم و یا جهان مرئی و نامرئی اینجا و کلیه جانداران و هم در جنان و دوزخ وغیرهٔ آن جهان باقی و سرمدی، کاشف و مسبوق گردیده حتی به اندازهٔ استعداد بطور اجمال یا تفصیل می‌نگرد.**

آیا این فضل خاصه چه وقت به انسان میسر می‌شود؟

سوالی بجاست، در پاسخ باید گفت به هیچ چیز انسان چیره نگشته تا علمش بر آن اولاً محاط نشده باشد. بنابرین مطالب فشردهٔ این رساله و کلیه رسایل حاوی مفاتح اسرار بُعد چهارم را که به اینجانب رسیده باید به دقت بخوانند تا بدانند آنچه را به یاری خدا جل‌جلاله می‌خواهند که دریابند و در حل مطالب آن از استادان این مدرسه می‌توانند کمک جویند.

اینک غفلت و خواب آلوده گی بشر را که باز هم شیاطین به استفاده از خواهشات نفس انداخته، ذیلاً دقت نمایند. به امید فتح و نصرت هرچه زودتر از او جلت عظمته.

چه کردیم که ندیدیم (غفلت)

۱ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که اتوم اشیاء را کشیده و از آن استفاده‌های سرسام آور به هر چیز کرد، با تأسف که اتوم جسم و روح خود را مورد تجزیه قرار نـداد و بهره‌هـای عـالی به نفع ابنای زمان و معرفت مولای خود به دست نیاورد.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از تجزیهٔ برق، اشعه‌های گوناگون لیزر و ماورای بـنفش[1] و اشعهٔ اکس[2] وغیره را کشید. ولی با تأسف کـه بـه تجزیـهٔ روح و اثـرات آن اصـلاً دسـت نیافت، که از اشعات آن نه تـنها این جهان را همه و همه بیند، بلکه حقایق بُعـد چهـارم را نیز عند الفرصت با لقای مطلق خداوند جل‌جلاله با همه تفصیل ملاحظه نمایند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به غرض در اختیار آوردن و استفادهٔ سلیم کـردن، بحرها را شگافته و دریاها را بند نمـوده و انهـار سـاخته اسـت. ولـی بـرای سیلاب سرشار قوای معنوی هم‌جنسـان خـود، هـیچ بنـد جـز بنـدهای سیاسـی و آن هـم متکی به نفس نساخته است.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برای زندگی آیندهٔ خود نظر به حرص طبیعـی کـه از منشأ ذاتی نفس با اوست می‌کوشد، تا مدارک تأمین حیات چند روزه را به قسم مکمل پیـدا و سر هم کند و حتی اندوخته‌هایی هم بدین مطلب از راه مشروع و نا مشـروع جمـع و تهیـه

1.Ultra Violet

2.X-Ray

نماید که از وی به فرزندان و نواسه‌هایش تا اخیر برسد. ولی بـرای زنـدگی ابـدی و عـالی انسانی خود به حضور کبریایی در جنان، آنقدرها توجه و مساعی لازم را اکثراً ندارد.

۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که پرتو اثرات روح را توسط حواس خمسهٔ ظاهری بدن ماننـد نیروی دیدن، شنیدن، بوییدن، گفـتن وغیره را توانست بداند، ولی ندانست کـه ذات روح دارای چه حواس و تصرف هزاران بار از این قویتر باشد و هکذا خالق این همه نیـرو، نیـز دارای اسرار مشخص خیلی‌ها عالیتر از آنچه دیده و فهمیده می‌شود، بوده که مـا از درک آن عاجزیم. ﴿لَنَفِدَ ٱلۡبَحۡرُ قَبۡلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي﴾[1]

ترجمه: هر آیینه تمام شود بحر، پیش از آنکه ختم شود کلمـات پروردگـار مـن، یعنـی پیش از آنکه اسرار اشیای او تعالی جل‌جلاله توضیح گردد.

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که خوب می‌داند و می‌بیند در کشاکش کارهای نیک و بـد سـردچار و حتی دست و گریبان است. آیا قوای محرکهٔ این دو عامل کیست هـیچ دقـت نمی‌کند و در پی دریافت حقیقت این فتنه نمی‌کوشد تا خود را آرام نماید.

۷ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که جانـداران اهلـی و حتـی ماشـین آلات بایـد بـه اختیـار او حرکت کند، ولی خودش اکثراً تحت سلطهٔ قوای نـامرئی روح، نفـس، شیطــان یـا بعضـاً ملک حرکت نماید، باز هم نمی‌کوشد که جانب الهامات ملکی را قوی و قویتر سازد.

۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان مخلوقی که اقرار دارد هر موجود زنده و حتی بعضی بـی جان‌هـا دارای اسرار و حالت باطنی و ظاهری اسـت و بـه اسـرار ظـاهری احسـاس خـود درک اشـیاء را

---

۱. کهف/۱۰۹

نماید. آیا از احساس باطن چه درک‌ها حاصل شده می‌تواند، کمتر التفات به آن کرده است که به حکم هیچ باید شمرد.

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از اتفاق حیات اجتماعی همه جانداران حظ می‌برد و به اساس کوایف ارثی آن را مؤثر می‌داند، ولی در انتظام حیات اجتماعی خودها به طور عموم که همهٔ افراد بشر از آن بهره‌مند باشند میل ندارد، بلکه می‌کوشد که فاصله را هنوز هم بیشتر میان اولاد بشر ایجاد کند؛ و این جامعهٔ مؤمنین و پیروان مدرسهٔ قرآن دست ناخوردهٔ اسلام اند که به یاری و مددگاری خدای عظیم جل‌جلاله برای برآورده شدن این مأمول عملاً گام بر می‌دارند.

تبصره

در پایان یکبار دیگر به این حقیقت باید به غور نظر کرد که روح و روحانیت و اثرات مثبت و منفی آن، هر یک به ذات خود کیفیت و رموز خاص دارد، به این معنی چقدر که قدرت روحانی در انسان پست گردد به همان اندازه الهامات ملکی ضعیف و ضعیفتر گشته، اثر مستقیمش را در اشخاص به روشنی تمام چنین می‌یابند که به زبان از هر نگاه پیش آمدهای درست داشته و به مطالب نظر خوب دهند، ولی اثر عملی از آن در شخص جز نفی مطلق دیده نشود؛ بلکه همزمان طرفین دانند که او برای خوشحال نمودن وی به چنین جملات تملق آمیز زبان را گشاده، ورنه از دل هیچ علاقهٔ واقعی به همراهی و همکاری او ندارد و به برداشت کوچکترین تکلیف با او حاضر نیست و اگر هم باشد، توفیق عملی کردن آن را به جوارح یافته نمی‌تواند.

به مرتبهٔ دوم : چقدر که در چنین جوامع روزگار مردم بالاتر رود و زندگی مرفه به عامه میسر شود، باز هم آرامی قلبی در اجتماع موجود نبوده، برعکس یک نوع وحشت و بی‌قراری، هر واحد در خود احساس نمایند که در حقیقت این علامت غلبهٔ فشار روح بر صندوق جسم بوده و تهدیداً او را به انتخاب راه غلط که در پیش دارد می‌فهماند. لذا یک نوع تنگی‌های غم افزا، شخص را بدون ارایهٔ کدام مطلب، مغموم و محزون می‌دارد.

اینجاست که شیطان با استفاده از درک آن، درحال دست به دفع و چاره به اتخاذ یکی از دو راه می‌زند:

اول: او را به خواندن ساز و آواز یا مصروفیت بر ناروا و قصه‌های این و آن و در نهایت به زمزمهٔ کدام بیت یا اشپلاق های آهنگدار به دهان مشغول می‌کند.

در صورت دوم: اگر تنها بود با ارائه دوسیه‌های فکری و پیش کردن فهرست آن در دل و مغز یکی بعد دیگر مطالب شهوت افزا و یا غم آور یا مشوش کننده را آورده و او را به آن مصروف می‌سازد. اینها همه و همه علایم پریشانی روح و اثرات نا آرامی دل به علت توجهات فاسد غیر انسانی در شخص باشد.

خواص و حالات روح در ظاهر و باطن انسان

۱ - سوال: تـفاوت خواص باطنی یا معنوی انسان با دیگر حیوانـات چیست؟

جـواب: حیا و خجالت دو عامل خاص انسـان اسـت کـه در حـالات معـین و امـاکن خاصه به پیش آمد های دوست دارترین خود از حیـا نمـی‌بینـد و مـی پرهیـزد کـه در ایـن مختصر، حقیقت این کیفیت به خوبی نشاید قابل فهم باشد.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که دارای صفائیت ظـاهری و بـاطنی عـالی اسـت و از جملـه خجالت و حیا نیز یکی از خواص معنوی عالی انسان بوده و در حال اقدام به کـدام کـار ممنوع از قوانین مدنی یا شرعی یا فامیلی، هرگاه تحت غرایز جنسی و نفسی قـرار گیـرد و کسیکه بر امتناع آن قانون وارد باشد، بر وی رسد و او را ببیند، از خجالت بدون مخالفت، خود را باطناً به نا آرامی شدید مواجه می بیند.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که اگر از نگاه نفس یا روح تکامل کـرده باشـد، باطناً بیست تا سی و تا صد یا بالاتر مثل خود بزرگتر معلوم می‌شود؛ اما بـه دیـدۀ نیکـان بشر، فرشتگان و شیاطین.

مولانـا بلخی (رح) گوید:

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست   لیک کس را دید جان دستور نیست

٤ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: یگانه موجودی که قسـمتی از دیـد و وادیـدهای نظـری و معنـوی خـود را در خواب عیناً به کیف و شان کامل می‌بیند، بعـداً همه و یا پاره یی از آن را پـس از بیـداری در بین موجودات روی زمین بازگو کرده می‌تواند. چرا و این چه کیفیـت اســت کـه رخ

می‌دهد، و چرا غور نمی‌نماید؟ **آری!** ثابت کنندۀ حقیقت ماهیت روح نامکمل شدۀ بشریت باشد.

۵ - سوال: اساساً انسان دارای چه نیروی نامرئی است؟

جواب: انسان موجودی است بین دو دستگاه نشراتی خیر و شر که بی‌اراده و با اراده همواره مشغول خود و ماحول خویش است، تا کدامین غالب آید و وی را بدانسو کشد.

٦ - سوال: پس به چه صورت انسان به مقام اعلی رسیده و به چه کوایف پست می‌شود؟

جواب: هرگاه به پیروی از نفس، به حضیض ذلت و انتهای دنائت گراید، ظاهراً انسان اما باطناً حیوان درنده، بسیار نیرنگ باز و دغل پیشه است که به استفاده از مقام انسانیت بهره کشی‌های سوء می‌نماید، زیرا قوای روحانی‌اش به مرتبۀ روح حیوانی رسیده باشد. اما اینقدر تفاوت دارد که به همچو اشخاص باز هم با همین حالت، امکان بازگشت به سوی خدا جل‌جلاله میسر است که اگر بکوشد دارای مقام و یا رتبۀ کامل حقیقت انسانی گردد و نیز برعکس تا زمانی‌که روح او مستقر مقام جان نشود و نفسش به مطمئنه مبدل نگردد احتمال فیصد ۲۵ تا ۳۰ لغزش او ممکن باشد.

۷ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که کلانی باطنی او را اکثراً نه خودش بیند و نه دیگران، خواه از نگاه نفس باشد یا از صفائیت روح، اما کلانی ظاهری او را به کدام تصرفی که یافت از قبیل علم، ثروت یا قدرت یا شهرت های صادق و کاذب که بی بقاست، هر کس دیده تواند.

۸ - سوال: دیگر از صفات معنوی عالی انسانی چیست؟

جواب: اکثراً در حال حمله به دفاع قوای بالمثل مانند دیگر حیوانات، بنابر داشتن عقل سلیم پاسخ نمی‌دهد و می‌سنجد، مگر که قدرت جانب بر او از کدام نگاه فزونی داشته و حیاتش به خطر باشد. در صورتی که خود را در مقابلش لاشی و بی قدرت بیند،

اینجاست که به الحاح یا وسیلهٔ دیگر دفاع معنوی پرداخته، بدین ترتیب رقت قلب او را به خود متوجه می سازد.

۹ - سوال: اگر روشنی بیشتر اندازند.

جواب: بلی انسان‌های سلیم علاوه از احساس آلام جسم یا روح دیگران، حمله را بر مال و شرف نیز بد می‌بینند که در چنین موارد پختگان شان به تأمل و عاجل طبیعتان شان بدون درنگ پاسخ داده دفاع می کنند.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به حکم استیلای حب ریاست، بر جانداران دیگر که از خود ضعیف تر بیند و یا در مقام تصرف، خود را بر او غالب یابد، بر وی حمله نکند و آزار ندهد و اگر برعکس او را رقیب خود یافت، می کوشد تا به هر نوع شود وی را از پا بیاندازد و به مقام تسلیم درآرد.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی دارای استعداد خدا داد که به هر پیمانه بخواهد می‌تواند در کارهای نیک و بد به شکل نهایی از آن بهره گیری کرده و کارروایی کند.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی است که به وضاحت تمام خورسندی خود را به خنده و غم و اندوه خویش را به گریه تمثیل می کند.

۱۳ - سوال: این مهارت و تصرفش چه امتیازی را به وی ثابت می کند؟

جواب: فقط نموداری و تثبیت لیاقت و کفایت عالی خدا داد خود را که از همه موجودات اضافه‌تر و کاملتر دارد نشان داده روشن می‌نماید.

۱٤ - سوال: چرا همهٔ جاندران غیر از انسان را افقی خلق کردند؟

جواب: برای اینکه تا هرچه زودتر سر شان جانب زمین برای اکل و نوش برابر باشد؛ لذا از عروج معنوی بی بهره گردیده اند.

۱۵ - سوال: چرا انسان را برعکس عمودی در بین همه جانداران روی زمین آفریدند؟

جواب: برای درک این راز که اگر قوای روحانی او اوج گرفت، مستقیماً به اعلی علیین عروج نماید و اگر نفس برعکس بر او چیره گشت به اسفل السافلین فرو رود.

۱٦ - سوال: این عروج و نزول زادهٔ چه کیفیت است؟

جواب: چون روح از حضور ذات کبریا جل‌جلاله بوده و مظهرش حیات در بدن، و علم که نمایندهٔ آن عقل در جسم است، این هر دو را از عالم قدس به ودیعت در بادی انسان گذاشته اند؛ و هکذا نفس که جوهر عالم خبث یا جهان سفلی یا ارض ماست نیز در آن مستقر گردیده است، از اینرو هر واحد می‌کوشد تا به جانب اصل خود متوصل گردد. یعنی اگر روح قوی شد شخص مستقیماً به اعلی علیین عروج نماید و اگر نفس غالب گشت انسان را به اسفل السافلین فرو برد.

۱۷ - سوال: اگر حالت روح و نفس در انسان مساوی شد پس جایگاه همچو اشخاص در کجا خواهد بود؟

جواب: اصل مطلب در همهٔ این صحنه‌ها، امتحان دادن و در نتیجه معرفت به او تعالی جل‌جلاله یافتن و درک عظمت، جلال و کمال خالق زمین و آسمان را کردن و دیگر اشیای عیان و نهان را به ایمان کامل دال بر کمال و جمال یکتای او جل‌جلاله دانستن و بی ضد و بی مانند شمردن، قسمتی از طُرق ارتباط به وی جل شانه بوده، علامتش اینست که مالکان این دولت در هر جا و هر وقت برای خوشنودی او تعالی بدون کدام نظرداشت، به خلق الله خوبی و نیکویی‌ها کنند. به روی این معیار چون خدای متعال جل‌جلاله همه اکرام، احسان، انعام، لطف و مهربانی که از ابتداء خلقت به ما روا داشته و او جلت عظمته به داشتن ذره یی ایمان شخص نافرمان (عاصی) را اگر به شفاعت کدام یک از بنده گان صالح او نجات نیافت، در دوزخ عذاب را تا مدت معین

چشیده، سپس به روی اصل ایمان که با او بوده از آنجا کشیده به جایگاه وی به یکی از جنت ها یا برزخ قرارش دهند.

۱۸ - سوال: آیا این شفاعت تنها از نیکان بشر در بارهٔ عاصیان پذیرفته می‌شود؟

جواب: نه خیر، اگر دل کدام بنده یا غیره جانداران را در حالیکه به کدام مصیبت گرفتار بوده به دست آورده و حاجتش را شخص روا کرد، به واسطهٔ دعای نیک آن موجود نیز نجات یابد و هکذا کدام حیوان یا جاندار کوچک مثل مور وغیره که مضر نباشد اگر به کدام احسان یا نیکی که به نجات او نموده بود در این صورت نیز به شفاعت چنین جاندار ضعیف مورد عفو خدای عظیم و رحیم جل‌جلاله قرار گیرد.

۱۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که دار و ندار ظاهری خود را اگر برای رضای خدا جل‌جلاله و صانع یکتای خویش، به غرض آرامی خلق الله در پرتو خداپرستی صرف نماید، بی‌شک عالم بقا را کمایی نموده و در اولاد بشر هم نام نیک به دست خواهد آورد و این دولت زاده تقویهٔ بطری ایمان و قوای روحانی باشد و اگر برای ایفای هویٰ و هوس و فسق و فجور صرف نمود، بدا به حالش که مأخوذ به حضور آن منعم این همه انعام و اولاد مظلوم انسان گردد.

در کمپیوتر قلب چه می‌بینند

بیشک از مطالعهٔ فرآورده‌های اسرار قرآن و احادیث طوریکه تا اینجا مسبوق شدند، یقین دارم علمای مؤمن پاکدل به خوبی درک نموده اند که مجموع اسرار آبدار سراپا انوار در ذیل عناوین مختلف وحدت چیست و دریافت آن به دست کیست؟ و پیدایش انسان‌ها به چه منظور بوده، بی شبهه همه را به روشنی تمام دانسته باشند که خدای عظیم به چه لطف، این دولت را می‌خواهد به مختصرترین صورت علماً و عملاً تعمیم بخشد، ولی بدبختانه اکثراً این موجود (انسان) به کجروشی‌ها گراییده و اینکه کجا رفته و چرا راه را بر بیراهه استبدال نموده و ازین معامله با آنکه جز خسارت:

﴿فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [1]

ترجمه: پس نیست مفادی ازین تجارت یا معامله گری شان و نبودند راه یافتگان.

در چنین صورت بی‌شک چیزی به دستش نیامده، ولی باز هم می‌رود و می‌جوید و حتی می‌دود و عدهٔ کمی واپس می گردند. علت این همه غفلت و عدم درایت در بشر از کجا منشأ گرفته و چرا انسان را اینقدر به خود پیچانیده است؟ سوالات بجاست.

پس از غور مزید، غواصان بحر امید و بخشایش حضرت حمید و مجید او جل‌جلاله این حقایق پر اسرار و مروارید‌های آبدار سراپا انوار را تماماً برآوردند و به دسترس اختیار ما قرار دادند.

آری! زمانی به ریشه کن کردن یک مرض یا آفت موفق می‌شویم که به کنه آن علماً از هر نگاه وارد گشته و نوع آفت را تشخیص دهیم؛ ازینرو دکتوران معالج امراض قبل از

---

۱. بقره/٦١

دادن نسخه، رموز، علایم امراض، کوایف و حالات مریض را به خوبی غور کرده، حتی بعضاً بول و غایط، خون و لعاب دهن و یا چرک بیرون شده از بدن را مورد تجزیهٔ لابراتواری قرار می‌دهند تا هرچه خوبتر به تشخیص مرض و نوع میکروب و جای درد، وارد گردند، زیرا این مقدمه چینی‌ها، راه کوتاه به دریافت مرض و برداشت آن باشد.

این چنین وقتی که ما می‌خواهیم تا امراض روحی یا معنوی را به یاری خدا جل‌جلاله به همکاری یاران با صفا هرچه زودتر رفع و دفع نماییم و این سراچهٔ بحر و بر را برای زندگی اولاد بشر به حکم باغچهٔ آزاد، آمادهٔ بهره گیری و جایگهٔ آرامی واقعی همه انسان‌ها گردانیم که با همه دلشادی در آن بدون تکلیف وغیره مشکلات زندگی نمایند، این آرزو زمانی برآورده می‌شود و این حقیقت وقتی به کرسی می‌نشیند که بدانیم منبع این همه بدکنشتی‌ها و آدم‌خواری‌ها از کجا منشأ گرفته، چطور چیره شده و بر ما غالب گشته و ما را از پا درآورده است؟

اینک بیاری خدای متعال آثار مبرهن این اسرار را یکی بعد دیگر به دسترس اختیار شما قرار دادیم تا به ایمان کامل و همت عالی که دارند آن‌را به دقت تمام مطالعه کرده و تا کجایی که دانستند به مِنصه عمل گذاشته، افعال و اقوال خود را به آن کنترول نموده و در پایان یک انسان علمی و مسلمان عملی در جامعه بروز کرده و رو به فعالیت نهاده باشد.

خوشبختانه کلید این اسرار را قرآن کریم و رسول یتیم صلی‌اللّه علیه و سلم به روشنی کامل به ما سپرده و می فرمایند: ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ﴾[1]

ترجمه: در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

و حدیث متبرکهٔ «اَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ اَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ»[1]. (متفق علیه)

---

۱. شعراء / ۸۸ و ۸۹

ترجمه: آگاه باشید در بدن یک توته گوشت است، اگر آن صالح شد درست شود همه بدن، اگر فاسد گردید، خراب و نابکار شود همه جسم و بدانید که آن قلب است.

اینجاست که با شما دست همدیگر را گرفته، به بوستان دل گذری نموده و به اسرار این کمپیوتر سری بزنیم. بسی باشد که به تعمیر و تصحیح راه و روش خود هنوز هم هرچه تمامتر موفق گردیم.

۱. متفق علیه

چگونگی قلب و اسرارش

۱ - سوال: قلب چه معنی دارد و چه چیز را گویند؟

جواب: قلب به معنی گردنده بسوی روح یا نفس و یا خیر یا شر و عبارت از یک توته گوشت مخروطی‌شکل در بدن بوده، ظاهراً کارش پمپ کردن خون و باطناً کمپیوتر همهٔ جسم باشد، اگر صالح شد همهٔ بدن صالح و اگر فاسد گشت همهٔ جسم بیراه شود.

۲ - سوال: وجود قلب در انسان و در جهان چه موقف خاص به خود اتخاذ کرده است؟

جواب: چنانکه در خانه آئینه و در مملکت تلویزیون لازمست تا اشیاء را به انسان نشان دهد، این چنین در بدن انسان دل نیز برای نشان دادن ماهیت جمیع اشیاء و طُرق بهره گرفتن از آن با آئینه داری خاص که دارد خوبتر ممکن شده می‌تواند.

۳ - سوال: دل انسان دارای چه خواص است؟

جواب: قلب دارای هزاران حجره بوده و هر چند ردیف از حجرات مختص به درک حالات خاص باشد؛ چنانکه درک شهوت و دید حقایق و فواسد با غیره امراض پاره یی از آثار حجرات آنست که قرآن کریم در چندین جای فرموده: ﴿ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ ﴾[1] ترجمه: در دل‌های شان بیماری است. (امراض باطنی دل)

﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾ [2]

ترجمه: ایشان را دل‌هاست که نمی‌فهمند به آن. (دانش دل)

۱. بقره/۱۰

۲. اعراف/۱۷۹

﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾[1]

ترجمه: هر آئینه نابینا نمی‌شود چشم‌ها و لیکن نابینا می‌شود آن دل‌هایی که در سینه ها اند. (بینایی دل)

٤ - سوال: ما در حالیکه قلب را یک توته گوشت می‌بینیم، باری این همه خواص در دل چطور می‌گنجد؟

جواب: زبان نیز یک توته گوشت است، اما هر قسمت آن برای درک ذایقهٔ خاص ساخته شده، مثلاً سر زبان برای شیرینی و کناره‌هایش برای ترشی معین گشته و اخیرش برای تلخی وغیره تقسیمات دارد، این چنین در قلب نیز هسته های جداگانه برای درک اشیاء است. هکذا مغز یکتوته باشد ولی هر قسمت از آن برای حفظ و درک مطالب خاص حواس خمسه، به لطف خداوند جل‌جلاله مرتب گردیده است.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی است که می‌داند یک دستمال یا چادر مرکب از میلیون‌ها الیاف پخته یی یا پشمی یا سُندی است. ولی با تأسف ندانست که جسم نیز از تریلیون‌ها حجرات دارای خواص و کیفیت و اسرار جداگانه تشکیل گردیده و هر حجره خصوصاً قلب و مغز دارای کوایف و اسرار بخصوص باشد.

٦ - سوال: تمثیل ماهیت قلب در بدن چیست؟

جواب: دل انسان به حکم دستگاه آخذه و مرسله از شخص به شخص و از بنده به خداوند جل‌جلاله باشد.

٧ - سوال: اماکن روح و نفس در کجای قلب است؟

جواب: مقام روح و مرکز اتصالش در جسم به دو قطب متکی است: اول مغز، دوم قلب و هکذا در قسمت پایان قلب مقام نفس را تعیین کرده اند.

---

١. حج/٤٦

۸ - سوال: ارتباط قلب و مغز در بدن چه مثال دارد؟

جواب: حجرات خاصهٔ دل به حکم تیلفون‌های شعبات و مغز به مثابهٔ دستگاه چینل سیستم بوده، یعنی هر حجرهٔ پندیده تر را که دارای خواص جداگانه است شیطان به سحر دور داده، چون به درجهٔ خاص خود برسد، در آرشیف مغز مطالب مربوط به آن، خود به خود نمودار شود.

۹ - سوال: اگر اندکی روشنتر گردد.

جواب: مثلاً شخصی محبت وافر به کسی یا چیزی دارد، لذا در حجرات مربوط محبت یک یا چند حجره از دیدن یا گفتار و غیرهٔ او مملو است. شیطان به آن چیزی از سحر می‌خواند، همینکه به اندازهٔ لازم بالا رفت، اتوماتیک وقایع مربوط به آن محبت در حجرات مغز گشاده می‌شود. شیطان به مطالعهٔ آن پرداخته یکی بعد دیگر صحنه های سحرآسایی را در مُخیلهٔ شخص حاضر و او را بدان مشغول می‌سازد.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که مغز را دارای شعبات مخصوص حفظ حواس پنجگانه با غیره مراتب اراده و تفکیک مطالب و تدقیق اشیاء می‌داند. در حالیکه همهٔ مغز از یک تکه خمیرهٔ سفید مایل به خاکستری یکی بعد دیگر چسپیده می‌نماید و این را تعجب نمی‌کند که این همه حجرات بهم بسته چطور به طور جداگانه متکفل کارهای خاصه اند. اینچنین حجرات دل نیز دارای خواص مختص به خویش باشد، گرچه ظاهراً از یک تکه گوشت مرکب گشته است.

به اسرار دل کار نکردیم پس چه کردیم؟ (غفلت)

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که در کوه‌های سر به فلک کشیده به خود راهی پیدا و برآن برآمد. ولی با تأسف بر تپهٔ کوچک نفس بیرق تصرف و نشان سلیم شهرستان قلب را نصب کرده نتوانست.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از دل کوه های سر به فلک کشیده و میخکوب شده دمار برآورده و معادن و اسرار آن را کشید. با تأسف که از تهٔ دل خود به علت سد نفس، معادن معرفت و اطمینان را نکشیده و از آن در ساختمان کارخانجات اسرار باطن برای آرامی خود و خلق الله استفاده نتوانست.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که درین کرهٔ بزرگ خاکی، راه‌های زیرزمینی را برای تسهیل امور ترافیکی خود کشید، ولی با تأسف کوچکترین رخنه در تپهٔ نفس برای عبور اسرار عالـم قدس ذریعهٔ دل جانب بُعد چهارم کشیده نتوانست و حتی اکثراً ندانستند.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که آیینه ساخت تا توسط آن قواره خود را با همه اشیاء بدون تصرف ببیند، با تأسف که از آیینهٔ قلب برای دید همه اشیای عیان و نهان استفادهٔ لازمی و اعظمی را جز عدهٔ محدود برده نتوانست.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که توسط تلویزیون چهره‌هایی را از ورای حجاب ای مانند دیوار سنگی، کانکریتی وغیره می‌بیند و این قوت و قدرت را در جماد متنفذ دانست و

قبول کرد، ولی از دید تلویزیون قلب منکر و بی‌خبر بوده بلکه عده یی هستند که اصلاً انکار می‌کنند.

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به دست آوردن چندین نوع حبوبات را از زمین خاکی و مروارید‌ها را از بحر ممکن نموده و به تصرف درآورده، با تأسف که کوچکترین حبهٔ انوار یا دانهٔ اسرار قابل استفاده را از دل کشیده نتوانست، بلکه برعکس نفس و شیطان حَبه‌های زهرآگین مرض هویٰ، امساک، بخل و کینه را در دل سبز کرده و رویانیده و وی را از پا در انداخت.

۷ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از برق حرارتی، انواع کوره‌های ذروی ساخت، با تأسف از حرارت باطنی قلب (**عشق**)[1] جز دوران خون بیشتر بهره گرفته نتوانست و ارتباط حلول عشق را با خالق جل‌جلاله در آن جاری نکرد تا تماشای عالم بقا و حضور خالق این همه ارض و سماء وغیره را بنماید، که عقل کمتر کسی آن را دانسته و حتی هیچ گوش نشنیده و هیچ چشم ندیده، **سبحان لله!** اگر به موهبت عنایت کنی تو ای خدا به ما و همه اهل ایمان و معاصران توسط این کمینه و همه معاونان و نیکان. آمین یا رب العالمین.

۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که با استفاده از مقناطیس طبیعی و مصنوعی دستگاه‌های برق ساخت و از آن صدها هزار کیلو وات برق برای تنویر و تسخین اماکن به دست آورد. اما از تنظیم زندگی مادی و فانی خود، نور جاذب را گرفته نتوانست تا حضور صانع و قُرب او جل‌جلاله را به واسطهٔ تنویر خاصهٔ قلب به دست آرد.

---

۱. ای در دل مشتاقان از عشق تو بستانها — و ز حجت بیچونی در صنع تو برهانها
در ذات لطیف تو حیران شده فکرتها — بر علم قدیم تو پیدا شده پنهانها
در بحر کمال تو ناقص شده کاملها — در عین قبول تو کامل شده نقصانها

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از سیم و فنر و آهن، کمپیوترهای دارای مشخصات و کارروایی‌های عجیب می‌سازد، ولی با تأسف از کمپیوتر قلب خود هیچ کار نگرفته، بلکه کم مانده آنرا فلج و بیکاره نماید و یا آلهٔ مخصوص شرارت به نفع شیطان و ضرر انسان‌های هم جنس خود سازد.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که بالای بحر، هزاران تن بار و محمولات خود را آزادانه بدون تکلیف عبور داد که حتی کف پای او تر نشد. ولی به روی دنداب کوچک نفس خود کشتی قلب را به ساحل روح رسانیده نتوانست.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از طوفان سرسام آور طبیعی بحر، کشتی دارای محمولات عالم فنانی خود را نجات داد. با تأسف که از تلاطم دنداب کوچک نفس، کشتی قلب را که دارای محمولات اسرار عالم بقاست اکثراً کشیده نتوانستند و آناً دیده و دانسته به دنداب و غرقاب فنا به لنگرک اندازی شیطان و رهنمایی‌هایش سپردند و می‌سپارند.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که توسط تحت البحری به زیر اعماق بحر درآمد، از آن دُر و گهرهای نایاب را به دست آورد و از منابع آن استفاده را ممکن ساخت، با تأسف که از اعماق دل از اثر سدود نفس نتوانست که لؤلؤ و مرجان سرشار قرب حضرت حنان و منان او جل جلاله را برآورد و برای خود و کافهٔ اولاد بشر دنیای بی کر و فر تماماً سالم و لازمی را به میان آرد.

ما و بیداری - نفس و عیاری

پس از درک کمالات واقعی انسان که در بالا پـاره یـی از آن را مطالعـه کردنـد، یقـین داریم به تعجب فرو روند که چرا انسان دارای چنین لیاقت و کفایت، باز هم به خودکشی و برادرکشی‌ها همیشه با یکدیگر در میدان ها به زد و خورد مشغول اند.

آری! همهٔ این فتنه ها و منبع اصلی آن نفس بوده، لذا باعث ناآرامی های فرد و اجتماع گردیده و اگر هنوز هم انسان‌ها بیدار نشوند و به یاری خـدا جل‌جلالـه بـه جلـوگیری آن نشتابند خصوصاً به این لحظات حساس که طرفین شرق و غرب بـه لمبـه هـای تیـز آتـش انسان‌های خـدا ناترس (اتوم یـا بمب‌هـای جهـان خـراب کـن هیـدروجنی و غیـره) قـرار گرفته، دقت مزید به کار نبرند و روشنفکران مؤمن و بشردوستان واقعـی هرچـه زودتـر بـه مهار کردن این آتش بی بند و بار نفس و شهوت غور نه نمایند، بـی‌شک این بلیـه بشـر را رفته رفته دیر یا زود به حلقوم اژدهای نابودی به سـرای گمنـامی و ناکـامی فـرو مـی‌بـرد، اخطار است!

هرگاه تلفات[1] انسان‌هایی را که از دست خود شان به روی اغراض نفس پروری صورت گرفته، با غیره مدارک مثل غارت‌هایی که کرده اند همه را به دقت بنگرید، آناً به روشنی تمام می‌بینید که برادرکشی‌های این موجود، به مقایسهٔ کشته شـدن و تلفات گزنده‌گان و درنـده‌گان از اول تـا آخـر دنیا برابـر نیسـت، فقـط مجمـوع مقتـولان انسـان‌های قـرن بیسـت یـا دورهٔ اتـوم یـا جنـگ دوم جهـانی را هرگـاه درست تثبیت کنیم با مقایسه از اول پیدایش انسان‌ها، به همین مقدار تلفـاتی کـه تا امروز از دست دشمنان چـون مـار، گـژدم، گـرگ، شـیر، پلنـگ، سـیلاب، زلزلـه و امثال آن واقع شده به حد مساوی یا نصف نبوده، بلکه چندین بار اضافه‌تر نماید.

---

۱. تعداد مجموعی کشته شدگان جنگ جهانی دوم به ۷۲,٤٦٨,۹۰۰ نفر میرسد، بر گرفته از ویب سایت: http://www.secondworldwarhistory.com/world-war-2-statistics.asp

پس چرا این رسیده گان به حقیقت، جلو این آدم‌کشی‌ها را نگرفتند و مکاتب صلح و سلم را بنا ننهاده و پروگرام های درسی را مقرر نداشتند، تا ازاین برادرکشی ها رها گردند؟ سوالات تکان دهنده است.

اینجاست که به خوبی تمام می‌دانند انسان هر چیز را مورد مطالعه و دقت قرار داده است و خود را نه، همه اشیاء را دیده و زیرو رو کرده است خود را نه، به مهار کردن بحرها و کوه‌های سرکش فایق آمده اما بر خود نه و امثال این چندین سوال دیگر؛ که ما اینک به یاری خدا جل‌جلاله به آخرین سیستم ساده به عنان کشی[1] اولاد بشر، حسب ارشادات قرآن دست ناخوردهٔ اسلام به تجزیه و تحلیل اجمالی بدن، شما را به منطق عالی علمی مستحضر ساخته و ذیلاً به پاره یی از حقایق بازگو کنندهٔ نفس ملتفت می گردانیم.

---

۱. عنان نفس کشیدن جهاد مردانست — نَفس شمرده زدن ذکر اهل عرفانست
(صائب)

نفس و کارنامه هایش

۱ - سوال: نفس چیست؟

جواب: نفس جوهر یا فشردهٔ عالـم خبث باشد که بر سـه قسـم اعظمـی مظـاهر آن در جسم انسان نمایان گردد: **۱- اماره بالسوء ۲- لوامه ۳- مطمئنه** (قرآن کریم)

۲ - سوال: دلیل ثبوت جوهر نفس از زمین چه خواهد بود؟

جواب: شما می‌دانید که اصل شی یا خلاصـهٔ کـل کـه دارای خـواص همـهٔ آن چیـز باشد، آن‌را جوهر گویند. برای تثبیت جوهریت نفس در بدن همین قدر کافی اسـت کـه از زمین هرچه روید و قابل استفاده باشد، انسان به هر شکل که شـود بـه آن تمایـل نشـان داده و مورد استفادهٔ خویش قرار می‌دهد، و لو مثل تریاک سم قاتل و یـا ماننـد تنبـاکو و مرچ، تلخ و تند هم باشد.

۳ - سوال: این خواص استفاده از اکثر اشیاء را جانداران هم دارند؟

جـواب: اشتباه است، اگر مراد از جانـداران عمـوم ذوات الحـی[1] باشـند، دقـت کننـد ماهی‌ها محتاج کاه و اکثر روییدنی‌های روی زمین نبوده و هکذا اکثر طیور هم گوشـت نمی‌خورند و میوه جات و حبوبات را اکثر جانداران میل ندارند.

٤ - سوال: اگر اندکی روشنتر گردد؟

جواب: از آنجا که جانداران متعلق به هر کره، مربوط به خواص مخلوق اعظـم فلـک یا کرهٔ خود اند، لذا در زمین جانداران بحری و بری باید بوجه من الوجـوه[2] مشـارکت بـه صرف قسمتی از ماکولات و مشروبات اشرف کرهٔ خویش یعنی انسـان داشـته باشـند، تـا انسان میلانی از خود به استفاده از آنها نشان دهد. چه اینها همه برای انسان و انسان بـرای

---

۱. جانداران

۲. به قسم از اقسام

معرفت و شناسائی خالق این همه عیان و نهان آفریده شده است، تا به واسطهٔ ذکر و تماشای نندارتون و عجز و شکر و خدمت خلق الله، ارتباط با خالق خود حاصل نمایند.

۵ - سوال: آیا نفس چطور طی مدارج می کند؟

جواب: بلی! اساساً نفس در اول پیدایش طفل، مطمئنه باشد و اگر در فامیل و محیط وی کجروی حکمفر ماست، رفته رفته نفس به لوامه تبدیل شود و اگر از این هم اضافه‌تر شد، اماره بالسوء گردد و ما در این باره رسالهٔ جداگانه نوشته‌ایم.

٦ - سوال: این عروج و نزول نفس زادهٔ چه کیفیت است؟

جواب: چون **روح** و **علم** که نمایندهٔ شان **حیات** و **عقل** در بدن است از **عالم قدس** به ودیعت در صندوق جسم نهاده شده و هکذا نفس که جوهر عالم سفلی یا کره ارض ماست در وجود مستقر گردیده است، ازینرو می کوشند تا هر یک بر دیگر غلبه نموده و او را به اصلش متوصل سازد. یا به عبارهٔ دیگر توصل روح به عالم قدس یا بُعد چهارم و توصل نفس به گرفتن لذایذ از وجوه ناجایز و فرو رفتن آن همه و همه به این جهان فانی.

۷ - سوال: اگر روح و نفس در انسان مساوی باشد، پس جایگاه چنین اشخاص در کجا خواهد بود؟

جواب: اصل در همهٔ این صحنه ها، تثبیت یافتن جهت طرف خدا جل‌جلاله یا دنیا است و انتها تقرب جستن به خالق زمین و آسمان از مشاهدهٔ دیگر اشیای عیان و نهان و به ایمان کامل یکتا دانستن و بی ضد و بی مثل شمردن ویتعالی است. به روی این معیار چون خداوند جل‌جلاله همه اکرام و احسان و انعام و لطف و مهربانی را به انسان از ابتدای خلقت رایگان روا داشته و او جلت عظمته می‌خواهد که پس از گرفتن امتحان، هر واحد از اولاد بشر را به یکی از جایگاه جنان یا دوزخ مستقر سازد. لذا در بین ضدین، بادی بدن را گذاشته و او را در مقر کشمکش قرار داده، اما مساوات حالات روح و نفس بروی اجر اَضعاف و مُضاعَف خیر و نیکوییها دلیل بر نجات نفس است.

۸ - سوال: امتحان بشر تا چه وقت دوام داشته و نتیجهٔ آن به کدام فرصت میسر گردد؟

جواب: از ابتدای بلوغ شرعاً و قبل از آن استحباباً، انسان در بین کشمکش نفس و روح و الهامات خیر ملکی و وساوس شر شیطانی گرفتار است که همزمان کرام الکاتبین با کامره‌های عکاسی و تیپ های منظم بلاتشبیه جمله اقوال و کردار او را ثبت کنند، همینکه اجل موعود رسید، روح درحال به پرتو یکی از جاهای نعمای جنان یا عذاب دوزخ روبرو شود. این را قیامت صغرا گویند که البته پس از حشر به قیامت کبرا جنساً در آن به همه لذایذ، اشخاص نیکوکار و به شداید دوزخ مردم بدکار برای ابد جایگزین گردند.

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که با استفاده از فرصت برای جلوگیری تقویهٔ قوای معنوی و نیرو بخشی قوای نفسانی اش، شیطان به همکاری نفس صدها سدود و بندها به او ایجاد نموده و برای هر کس حسب استعدادش دیوارهای قوی و قویتر را در اول وهله به نفع خود و آینده گان بعدی خویش، با ایجاد عادات بد خلق کرده است. ولی کمتر کسی به آن ملتفت شده باشد و اگر هم دانسته، چاره یی به علاج آن نتوانسته است.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی مابین دو دستگاه نشراتی خیر و شر، بی اراده و با اراده مشغول خود و ماحول خود است تا کدامین نیرو بر وی در پایان کار غالب گردد.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که خوب می‌داند و می‌بیند همیشه در کشاکش کارهای نیک و بد سردچار و حتی دست و گریبان است. آیا قوای محرکه این دو عامل کیست، هیچ دقت نمی‌کند.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان دارای استعداد خداداد است که به هرپیمانه بخواهد می‌تواند در کارهای نیک و بد به شکل نهایی از آن بهره گیری و کارروایی‌ها کند.

۱۳ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسان موجودی که جانداران اهلی و حتی ماشین آلات بـه اختیـار او حرکـت کند، ولی خودش اکثراً تحت سلطهٔ قوای نامرئی روح و نفس، شیطـان یا ملـک متحـرک باشد.

۱٤ - سـوال: آیـا ممکـن اسـت کـه بـدون قیـودات ظـاهری و نفسـی انسـان‌ها زندگی کنند؟

جـواب: بلی! هرگاه فجایع غلبهٔ نفس و شهوت‌رانی‌ها را بدانند و از راه ظـاهر و بـاطن بر آن چیره گردند، آن وقت ضرورت به کنترول و تطبیق قوانین ظاهری کـه در واقـع پـای بندی آن آرزوهای نهفتهٔ نفس برای متجاوزین است، دیده نمی‌شود.

تبصره

چنانکه ملاحظه کردند و ماهیت نفس و اضرار حالات آن را به طور اجمال دانستند شـاید به این نتیجه صدور حکم نموده باشند که در چنین صورت نفس تماماً مضـر و بـرای تبـاهی مطلق انسان است؟ نه هرگز.

حقیقت اینست که وجود نفس همه و همه برای بهبـود حیـات مـادی و معنـوی و فـانی و سـرمدی انسـان خلـق گشـته، زیـرا اگـر نفـس نبـودی، در بـادی بـدن احسـاس کمبـودی مالیکول‌های جسم از کجا می‌شد؟ و این چنین اگر نفس مطمئنه گردد، به حکم اتـوم بـرای عروج روح الی حضور حضرت ویتعالی کارها نماید.

یا به عبـارهٔ دیگر وجود نفس آلهٔ قُرب و بُعد بنده با خـدا جل‌جلاله شده مـی‌توانـد. یعنـی اگر صالح شد به هر دو جهان موفقیت به مؤمن نصیب گردد و اگر فاسـد گشـت در هـر دو عالـم رسوا شود؛ و بعضاً که چالاکی‌ها کنند، فقط کارهای بد خود را بـه عیـاری و زرنگـی در اینجا خوب نشان دهند، اما از حضور خداوند عظیم و علیم به اینقدر کجا رها شوند.

خلاصه نفس را اگر کود تصور کنیم وسیلهٔ رشد درخت روح گردیـده؛ اگـر کـود بسیار شد درخت از بین رود و یا بکلی ضعیف گـردد. اینسـت سـاده تـرین تمثیـل برای درک موقف نفس در وجود شخص.

اگر این‌ها می‌شد چه ها که نمی‌شد!

۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به هر سرکش مهار ساخت، ولی به نفس خود نتوانست.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به کنترول آلات متحرک اسبابی را مانند اشترنگ و یا برک و سویچ وغیره خلق نمود، ولی برای کنترول نفس خود هیچ نوع اسباب آلات مؤثر مکتفی نساخت، حتی بدان متوجه نگردید.

۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از دل زمین معادن نفت و گاز وغیره را کشید، با تأسف که از نفس، انانیت فاسد را کشیده نتوانست.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که بر زمین خاکی چندین نوع اشجار مثمر و غیر مثمر را رشد داد و این را به نحوی از انحا تحت ساحهٔ حاصل برداری خود درآورده توانست. متأسفانه که با بودن چشمه سارها و دریاهای راضیه و مرضیه و مطمئنه یا دست کم نفس لوامه، اکثراً نتوانست که کوچکترین حاصل از آن به دل و یا جهان پهناور خود برای سرای ابد بردارد و بهم آرد.

٥ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که سدودی چون کوه‌های بزرگ را از پیشروی خود برداشته و یا شگاف در آن کرده. ولی سد ناچیز نفس را گذاشته، علی الرغم اینکه برنداشتند بلکه برخی ندانستند و عده ای قویتر کردند و یا گذاشتند که قوی و قویتر شود، حتی همکاران قوی نفس را بیشتر می‌طلبند که به این راه به ایشان کمک نمایند.

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که فیل یا شتر و اسپ و چندین جاندار قوی و ضعیف را تابع کرد و یا از پا درآورد. ولی با تأسف که نفس خود را تابع نکرد و یا دست کم از پا درآورده نتوانست.

۷ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که اکثراً حیوانات را برای خوردن بدام می‌افگند، چون جانداران وحشی و غیره، اما خودش به دام نفس و شیطان‌های جنی و انسی تا وقت رفتن افتاده باشد. مگر که به تقویهٔ روح مصفا و ایمان مجلل، به یاری از خدا جل‌جلاله نجات یابد. البته همراهی و مصاحبت با یاران پاکدل اولین علامت دریافت این دولت باشد.

۸ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که به مقصد در اختیار گرفتن حرکت حیوانات، مهار و قیزه و امثال آن اسباب و افزار ساخت، ولی برای مهار کردن نفس خود کمتر توجه به اسباب و ابزار نموده است.

۹ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی است که از زمین وغیره اشیاء قسمت قابل استفادهٔ نفس را گرفت و واپس فضلهٔ آن را به زمین به طول عمر تحویل داد، اما حقایق تنویر باطنی را از آنها نگرفت و روزها را ضایع و عمر را اکثراً عبث کردند.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجود دو پایی است که به تناسب تلفاتی که از دست خودش بر وی واقع شده، اگر حساب کند میلیون‌ها بار بیشتر از کشتارهای دیگر موجودات غیر او صورت گرفته و اگر اصلاح نشدند هنوز هم چندین بار بیشتر خدای نخواسته واقع خواهد شد.

به امید اصلاح و لطف و کرم و نور هدایت او جل‌جلاله که هرچه زودتر ذریعهٔ این بنده و همه نیکان بشر، رهنمونی سلیم سرتاسری عنایت کند!

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی کُشنده (قاتل) خود پس از عزرائیل علیه السلام به وسایط گوناگون، اما در حقیقت آله یی برای پیشبرد کار و بار عزرائیل (ع) و بعضاً به طور طوفان آسا باشند.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان مخلوق دو پایی که به عزرائیل علیه السلام در صحنه‌های مقاتله برائت داده و خود شان مستقیماً صحنه‌های کارزار را به نفع او گرم و گرم تر نگه می‌دارند.

۱۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که سراچهٔ کلان و آزاد جهان ما و معادن خداداد بحر و بر را بر خود به حکم نفس خویش تنگ و تنگتر کرده و به این اساس دروازهٔ آرامی را به روی نسل بشر مسدودتر نموده است و هنوز هم می‌نماید.

١٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که خودش برای خویش حدودی را به نام قانون مطرح و آزادی خودها را بدین وسیله محدود ساخته و به حربهٔ سلب حریت، خود را محروم نموده و یا به عبارهٔ دیگر خویش را به خود پیچانیده است، زیرا که مهار کردن نفس را اکثراً ندانسته و نه نموده است.

۱۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که برای به اختیار درآوردن و استفادهٔ سلیم از بحرها و دریاها، بند و انهار ساخته است، ولی برای سیلاب سرشار قوای نفسانی خود و همجنسان خویش جز بندهای سیاسی متکی به نفس نساخته اند.

شیطـان را با شیطنت هایش بشناسید

تا جایی اجمالاً روشن شد که بادی جسم انسان نه تـنها مظهر این همه کارگردانی‌ها در جهان است، بلکه در داخل این انجامه، جار و جنجال‌هـایی اسـت کـه در حقیقـت پرتـو فعل و انفعال اعضاء از اثر آن بعینه نموداری می کند، ولی این اعمال اگـر نیـک اسـت از اثر الهامات ملکی و اگر شر باشد مبتنی بر تلبیسات شیطـانی است.

ازینرو شخص در اجرای کارها همیشه به یکنوع کشمکش‌ها خود را روبـرو مـی‌بینـد. اینجا سوال ایجاد می‌شود که در اجرای امر پس از تصمیم چرا شخص ناخودآگاه خود را به زیر سلطهٔ کشمکش بکن و مکن‌ها می‌یابد؟

بلی! این حالت به روشنی تمام ثابت می نماید که ما به زیـر سـیطرهٔ دو قـوای ملکـی و شیطـانی و آلهٔ کش کنندهٔ شان یعنی روح و نفس قرار داریم. حـالا کـه چطـور کنـیم تـا خود را از زیر یوغ وساوس شیطـانی کشیده و همواره الهامات ملکی را بر کمپیوتر دل بـه طور جاری در حال ریلی نگهداری کنیم؟ سوال بجاست که باز هم جوابش مستلزم شرح علمی است و اینک به یاری خـدا جل‌جلاله برای اولین بـار در روی زمـین بـه درک ایـن خلاصهٔ همه کتب آسمانی خصوصاً ام الکتاب اسلامی (قرآن) با رموز و کنوز ایـن اسـرار که بی شائبه رهنمای صلح و سلم افراد بشر در گیتـی بـوده و وصـلت دهنـدهٔ طالبـان بـه اسرار بُعد چهارم و رسانندهٔ نیکان اولاد بشر به سرا پردهٔ حضور الی ماشاء الله باشد، توجـه شما را مبذول می‌داریم.

از سر سخن دور نشده باشیم؛ اینک در مثال ذیل سیمای بی تعادل شخصی را در حال دادن صدقهٔ ناچیزی می‌بینید، دقت کنید که وی چرا بی‌اختیار به این و آن جار و جنجال بده و نده و بکن و مکن روبرو می‌شود؟ **بی مـورد نیسـت کـه بگـویم همـهٔ الهامـات خیر و وساوس شر اکثراً زادهٔ حاصلات حواس خمسه بوده کـه درحـال و یا پرتـو**

آن در اوقات دیگر دامنگیر انسان می‌شود و گاهی بدون هیچ سوابق به طور ریلی می‌رسد که ما شرح آن را در رسالۀ دروس توحید به طور لازم گفته ایم؛ فعلاً از بحث ما بیرون است.

خلاصه، همین که اشعه های مجهول و یا معلوم خیر رسید، اگر در داخل قلب حجرات تحت تأثیر روح قرار یافته و تنظیم گردیده باشد، کمپیوتر عقل آن را گرفته و متعاقباً به طور اتوماتیک خواسته‌های مذکور را به دست اجراء می گذارد.

مثلاً در راه می گذرید فقیر و بینوایی را می‌بینید. درحال هستۀ عاطفه از دیدن آن منظره، شما را به اتخاذ امواج خوبی کردن به خلق الله برای رضای خدا جل جلاله وادار کرده و به قدر همت به او کمک لازمه بلادرنگ می نمایید. این است نمونه یی از اثر الهامات خیر با چندین نوع دیگر که روزمره می بینید، اگر دقت نمایید، چرا بعضاً از ایفای کارهای نیک وغیره خیرخواهی‌ها ممانعت می شویم؟

جواب: بلی، اگر در حجرات قلب هستۀ فاسد بخل و امساک بروی غرایز بی‌لزوم و غیر انسانی تقویه یافته باشد، در حال رسیدن چنین الهامات، پیش از مشاهدۀ وضع رحم آور به واقعۀ مذکو،ر درحال شیطان به انواع حیلت به استفاده از فرصت به تبلیغات فاسد تلبیسی خود پرداخته، شخص را از آن عمل منع می‌نماید. مثلاً در واقعۀ قبلی(خیرات دادن) پیش از آنکه بخواهید چیزی به آن کس بدهید در قلب گفته می‌شود که این آدم باید کار کند، این‌ها به این تنبلی عادت کرده اند و یا به این شخص ندهید به فلان نفر خویشاوند خود یا فلان غریب که به فلان جا هست بدهید و امثال این، خلاصه او را از دادن در محل، ممانعت کرده و به جای دیگر هم به این وساوس او را موفق به دادن و کمک کردن نمی‌نماید. اینست کوچکترین نمونۀ پیش پا افتادۀ وساوس شیطانی و شیطنت های شیطان در زندگی، اضافه‌تر را خود دقت کنند.

انسان و برخی از کارنامه‌های شیطـان

۱ - سوال: چرا انسان به ترک کردن عادت بد یا خوب رنج می‌کشد؟

جواب: این مسئله به ذات خود روشن است که هرگـاه عامـل نیکوکـار اسـت، بـه اثـر تحریک قوای ملکی و اگر بدکار است، به تشویق قوای فاسد شیطـانی بـر او عـادتی پیـدا شده، ازینرو ترک عادت هرچه باشـد امکان دارد، ولی جلـو وسوسـۀ تعمیـل یـا الهامـات تطبیق را چطور می‌توان گرفت، اینجاست که نکردن هر دو باعث آزار شخص معتـاد مـی گردد، لذا گفـته اند: ترک عادت موجب مرض است و این تحریکات خیـر و شـر ثابـت کنندۀ وجود قوای ملکی و شیطـانی بر انسان باشد.

۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان سرزمین نموی دو اصل روح و نفس یا معرکۀ کشاکش دو دستگاه خیر ملکی و شر شیطـانی.

۳ - سوال: قوای محرکۀ نامرئی در انسان عبارت از چیست؟

جواب: قوه یی که به کارهای نیک انسان را رهنمونی می‌کند الهامات ملکی گویند و آنکه به کارهای زشت و نامشروع و خلاف مقررات انسانی شخص را تحریص مـی‌نمایـد وساوس شیطـانی نامند که حقیقت این واقعیـت‌هـا بـه آیـات و احادیـث متکـاثره ثابـت و روشن است.

٤ - سوال: انسان کیست؟

جـواب: انسـان چطـور کـه بـه روی زمـین بـرای خـود بـاغ‌هـا، تعمیـرات، راه‌هـا و سرک‌ها می‌سازد، این چنین شیاطین در عروق و انساج جسم انسان به خـویش راه و سرک‌ها ساخته است.

۵ - سوال: اثر روشن تصرف شیاطین را چطور می‌توان دانست؟

جواب: آیا دیده اید که هنگام غلبهٔ قهر و خشم، همه اعضاء و اندام شخص به لرزه می‌افتد، نمی‌داند که در آن وقت چه بگوید و چطور شدت و حدت به خرچ دهد، که اگر آن حالت را ضبط کنید و بعداً به او ارائه نمایید، هرگاه اندکی قوای روحانی عالی داشته باشد، خودش تصدیق بر بی تصرفی خویش که از اثر غلبهٔ نفس و شیطان، در دل او چه فتنه خلق و چطور او را به بلا انداخته است، می‌نماید، که بعضاً به اشتباه رفته این حالت را ضعف اعصاب نامند.

٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که مانند راکت رها شده از عالم قدس از دو دستگاه نامرئی خیر و شر به روی زمین رهبری شده و فعالیت می‌نماید.

۷ - سوال: آثار این دو قوای خیر و شر به باطن و ظاهر انسان چطور احساس می‌شود؟

جواب: در قدم اول مشکل خواهد بود که این حقایق انکار ناپذیر نامرئی را محسوس‌عَنه ساخته و بدین خلاصه روشن نماییم؛ ولی درک هر دوی این حقایق تلخ و شیرین را باطناً به واسطهٔ قلب و ظاهراً ذریعهٔ حواس ظاهری می‌توان دانست.

۸ - سوال: انسان چرا خود را هنگام فراغت یا مصروفیت به کار، باطناً بی اختیار به چیزهای دیگر مصروف می‌یابد؟

جواب: علت این مصروفیت خصوصاً به زمانهٔ امروز علی الاکثر از ناحیهٔ شیطان و نفس باشد.

۹ - سوال: این ممانعت از کارهای خیر تنها از جانب شیطان‌های جنی صورت می‌گیرد یا شیاطین انسی هم به آن دست دارند؟

جواب: نخیر، در برخی ازین صحنه‌های خیر و شر گاهگاهی معاونان انسانی به راه نیک و زمانی هم همکاران شیطانی به راه شر، در کردن و نکردن کارها همدستی می‌کنند.

خصوصـاً به عصر امروز هستند عدهٔ بسیاری از مردم که ظاهراً انسان، اما در باطن تماماً و یا بعضاً و یا آناً به شیاطین جنی همکاری کرده و باعث رهزنی شخص سلیم گشـته، بـه شرارت و بدخواهی و تباه کاری‌ها او را وادار می‌گرداند.

۱۰ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسـان موجـودی کـه بـه قیمـت و ارزش عمـر خـود ندانـد. لـذا اوقـات فراغت را عوض تربیهٔ خود یا مطالعهٔ آثار و افکـار روشـن کننـدهٔ قلـب و دریافـت ایمان و صحبت های بزرگان که باید به طور موعظهٔ علمی و عملی به خویش برابـر نماید و آثار روشن کننده ای را از خود باقی گذارد، بـرعکس بـه عـوض ایـن همـه کارها و آرزوهایی که برای او و یا بهبود بشر لازمست جمع و سرهم نماید، دیده می‌شود که ساعات فراغت را به انواع مشغولیت‌های لهو و لعب باطل می‌گذارند، مانند قمار و سـرودهای مخـدوش کننـدهٔ مغـز و دل؛ و اگـر ایـن نشـد بـا خـود بـه مطالعهٔ جنجال‌های درونـی ناخودآگـاه مصـروف گـردد و بـرای خلاصـی خـویش ازین تهلکه راه نجات هم نداند.

۱۱ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از زمین و حاصـلات آن بهره گیرد تا قوت و رشد، به حق و یا باطل را یابد، اما نمی‌داند که این چنین خودش زمین قابـل هرگونـه اساسـات زنـدگی شیاطین جنی و انسی می‌گردد، در صورتی که بـه نـواهی عامـل شـود، چنانچـه خداونـد جل‌جلاله فرموده است: ﴿وَ شَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ . . .﴾[1]

ترجمه: و شریک شو ایشان را در مال‌ها و اولاد ایشان.

۱۲ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که از کارهای خوب هنگـام کـردن و یـا بعـد از آن احسـاس راحت در خود می‌نماید ولی چه چیز او را از آن کارها در برخی موارد مـانع مـی‌شـود، بـا تأسف متوجه نمی‌گردد، تا چطور کند و به چه تاکتیک به جلوگیری از آن موفق گردیـده خود را همواره عامل اعمال نیک گرداند.

---

۱. اسرا/٦٤.

۱۳ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که جدایی و ارتباط اکثر جانداران اهلی و غیر اهلی به اختیار اوست؛ ولی جدایی او از محبانش اکثر به دست شیطان‌های انسی و جنی باشد و حتی از خدا جل‌جلاله هم به حسب ظاهر.

۱٤ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که شیطان او را یکدم بیکار نگذارد. حتی اگر فارغ شود افکار تازه کنندۀ آن صحنه‌ها را به طور سحر به نظرش جلوه دهد تا او را بیازارد و یا اینکه وی را به کارهای بدتر به نام انتقام کشی وغیره از آن وساوس وادار سازد.

۱۵ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که هنگام مصروفیت در امور ولو که به تمام جوارح و فهم گرفتار باشد، باز هم به طور لاشعوری مشغولیت‌های درونی دارد که حتی پس از خلاصی کارها قسماً ناخودآگاه در دل و مغز به مطالعۀ آن صحنه ها خصوصاً که رنج آور و پریشان کننده است متوجه می‌باشد و نمی‌داند که چه چیز او را به مطالعۀ آن وقایع غم افزا به ناخواه مصروف می‌دارد. **آری!** وساوس شیطان باشد و بس.

١٦ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان موجودی که مخابره را از اماکن بعیده توسط بی‌سیم وغیره[1] به دست می‌آورد؛ ولی صندوق مخابره را با حضرت او جل‌جلاله که در بین بدن به نام دل دارد به کار نمی‌اندازد؛ بلکه قسماً آن را زنگار غفلت خورده و بعضاً بکلی راکد و فلج گردیده و حتی بر ضد معرفت او جل شانه شیطان و نفس از آن استفاده ها می کند.

۱۷ - سوال: انسان کیست؟

جواب: انسان آن کسی است که در اثنای مطالعۀ این پرسش‌ها و جواب‌ها، حالات مثبت و منفی انسانی را دسته بندی کرده بنگرد که در خود چقدر از آنرا صحیح و

---

۱. مبایل و انترنت (ناشر)

چقدرش را منفی می‌یابد. پس صفات نیک که هست بکوشد تا آنرا تقویه کند و حتی به قدر همت به دیگران نیز تلقین نماید و عملاً خوبی‌ها را تثبیت نماید و آنچه از صفات منفی را با خود یافته، آن‌ها را باز هم ردیف بندی کرده در امحایش بروی فعالیت لازم و پیگیری مستدام بکوشد تا آن خواص مذمومه را از خود زایل گرداند.

اینجاست که به روشنی تمام در می‌یابید که از اندرون شیاطین جنی شما را به ترک اعمال ناشایسته نمی‌گذارد، بلکه تشویق می‌دارد که باید به آن معتادتر شوید. این‌ها نمونه یی از شیطانی‌های شیطان و گرایش به مقام انسانیت برای انسان سلیم گردیده می‌تواند.

۱۸ - سوال: آیا انسان به همینقدر مساعی انسان سلیم شده می‌تواند؟

جواب: بلی! به شرطی که صفات نیک و بد عمومی اولاد بشر و کوتاهی‌های خود را نیز در سوالات جدا کرده و با آنچه در اجتماع نواقص می‌داند، از آن خویش را دور ساخته و به رفع آن بکوشد؛ بلکه با شخصیت‌های با درد و پیگیر و عالم عامل یکجا شده و به چارهٔ آن به قدر وسع گام‌های وسیع بردارد. گرچه در بعضی موارد نتوانست موفق شود لااقل به نکردن آن متأثر باشد.

آری! اینگونه اشخاص دارای خواص کامل انسانی و واقعی گردیده و اعضای سلیم اجتماع باشند که برای خدا جل‌جلاله و هم بهبود اجتماع و سازماندهی از آن استفاده‌ها کنند.